

پیام کمیته مرکزی سازمان

نوروزتان فرخنده باد

عید باستانی نوروز، این یادگار نیاکان ما فراسید. جشن خجسته رستن و روئیدن، تکوین و تکوین، تازگی و خرمی بدخندها مان با گذارده است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، فرارسیدن نوروز باستانی را به تمام هم‌میهنان شادباش می‌گوید. در آستانه این عید بیاری، سعادت و نیک بختی برای همه شما و روز و روزگاری نو برای میهن برافراشته‌تان آرزو می‌کنیم.

هم‌میهنان! زمستان سرد که بزمردگی می‌بیراند، رفت و جایش را به بهار زندگی آفرین گرفت. این تسلسل حیات طبیعت بی‌شمارت می‌دهد، زمستان استبداد آخوندی خمینی که مرگ و سیه‌روزی می‌بیراند رفتنی است و بهار آزادی که زندگی و بهروزی به بار می‌آورد خواهد آمد.

در سالی که گذشت حکمت هفت ساله ایران و عراق با یان گرفت. با یان جنگ و خون‌ریزی میان دو کشور که خمینی آن را جاذبه‌زهری درک‌ناپذیر توصیف کرد، جنمهای مردم‌سپاری را به روی جنابیت‌های خمینی و دیگر سران رژیم کشود. دیدند که خمینی تنها به خاطر اهداف ارتجاعی و جاه طلبانه خود صدها هزار را از راهی کورستان هسا کرد، میلیون‌ها نفر را آواره نمود، صدها هزار را غلیل و عا جز ساخت و بخت‌های بزرگی از سر زمین ما را به آتش کشید و ویران کرد. جنابیت هولناکی و خسارات عظیمی که خمینی تنها از رهگذر ادا محکم به مردم و میهن ما روا داشت تا بدان پایه است که سلسله‌ای از شتمانی از عواقب مصیبت‌ها در رنج و عذاب خواهد بود و تولید و بازسازی ملی تا سالها نیز قادر به ترمیم آن نخواهد بود.

هنوز ناله‌های جانسوز قربانیان جنگ در گوش ما طنین انداز بوده که خمینی به حساب بست و لولناک دیگری دست باز زد و قوا جعلی دیگری آفرید، زندانیان سیاسی کور را قتل‌عام کرد. رژیم طی جنابیت دهشتناکی بیش از هزار تن از انقلابیون دربند کشور، زنان و مردانی را که سب و نیک بختی و سعادت مردم، جز صلح و آزادی و عدالت سودای دیگری در سر داشتند، به جوخه اعدام کرد.

استبداد او ختنه‌ای که بر لولای جمهوری اسلامی بر میهن ما سطرده‌اند، هم‌قوای مردمی، ملی و میهنی ما را به بند کشید و مانع از زندگی، تکوینی و ولایت‌نگی است. با مبارزه در راه دستیابی به بهار آزادی با بدترین زمستان سیاه آخوندی با یان داد.

هم‌میهنان! دشمنی رژیم آخوندی خمینی با مردم و آرمان‌های ملی و میهنی ما ابعاد کونا کونی دارد. این رژیم حتی به سن و آداب عیسویت باستانی نوروز نیز به چشم دشمنی نگریسته و شرفندی در راهی اعتبار کردن عید ملی و مردمی نوروز دست می‌زند. بر مردم ما ست که به مثابه جلوه‌ای از نفرت و انزجار رژیم خود به رژیم آخوندی خمینی این عید باستانی را به بزرگ‌دارند و همه آداب و رسوم مربوط به آن را با سرزندگی هر چه بیشتر به جا آورند.

مردم آزاده ایران! در روزهای عید به دیدار با زمانه‌نگاران شهدای خلق بروید! از خانواده‌های زندانیان سیاسی دیدار کنید. با همدردی و هم‌سنگی با بازماندگان از شهدای خلق و خانواده‌های زندانیان سیاسی از دیدار زنده‌های نوروزی جلوگیری نکنید. از عزم روزمندان علیه رژیم آخوندی خمینی برپا سازید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با دیگر نوروزباستانی‌ها به شتمانی شادباش می‌گوید و برای همه مردم ایران نیک بختی و بهروزی آرزو می‌کند.

هر روزتان نوروز نوروزتان نوروز

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول فروردین ماه ۱۳۶۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در باره برگزاری پلنوم اسفند ماه ۶۷

در صفحه ۲

گزارش سیاسی پلنوم کمیته مرکزی

پیرامون اوضاع سیاسی

در صفحات ۴ و ۵ و ۶ و ۷

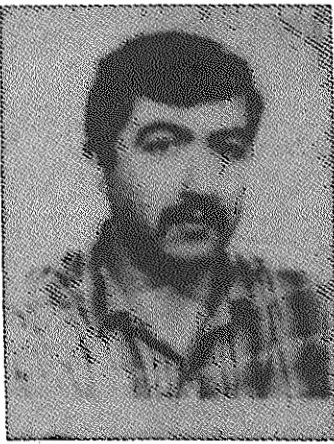
اعلامیه کمیته مرکزی سازمان

رفیق رحیم اسداللهی انقلابی پرسابقه، فرزند فداکار مردم، اعدام شد

در صفحه ۲

رژیم فدمردمی و ددمنش خمینی دست به جنایت تازه‌ای آلود. رفیق رحیم اسداللهی - علی‌حریک - انقلابی پرسابقه و عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، پس از گذشت نزدیک به ۶ سال از امارتش در زندان‌های جمهوری اسلامی، در روز ۲۴ بهمن ماه ۶۷ توسط دژخیمان رژیم تیرباران شد.

رفیق رحیم اسداللهی نقش بزرگی در حفظ موجودیت و یکپارچگی سازمان در سالهای دشوار ۵۶ - ۵۵ بر عهده داشت. او در سازمان‌نگری جنبش هم‌فکران مبارز و فعالیت شریک‌سازمان ما در قیام ۲۲ بهمن ماه ۵۷، سهم نمایان و افتخار آفرینی داشت. شهادت رفیق رحیم اسداللهی ضایعه بزرگ تازه‌ای برای جنبش انقلابی مردم ایران است.



یادنامه رفیق رحیم اسداللهی در صفحه ۲

چهار میلیون مهاجر ایرانی باید به میهن بازگردند

اکنون حدود چهار میلیون ایرانی آواره، غریب و مصیبت زده در پنج قاره عالم پراکنده‌اند. از امریکای ژاپن، از اروپای غربی تا اروپای شرقی، از آسیا تا آفریقا، به هر کجا که نظر بر بیافکنی، انبوهی از هم‌میهنان ما، دور از میهن خود، دور از خانه و کاشانه و موطن خسود، دور از سرزمینی که در آن زاده شدند و رنج کشیدند و عشقش را در جان خود نهفته‌اند، زندگی بسیار سخت و دردآوری را سپری می‌کنند. آنها برای هر چه صدمه از امور زندگی، برای کار کردن، فعالیت کردن، تحصیل کردن زبان مادری خویش، شرکت در زندگی و سرنوشت کشور خویش، ساختن یک زندگی مطمئن و آسوده‌دار زیر فشار و ستم و وحشیانه در معرض تحقیر و تبعیض هستند. این جمعیت عظیم مرکب از نخبه‌ترین سیاسی‌مردان، متخصصین، هنرمندان و ادیبان و خادمان وطن، هر روز خود را با انتظاری رنجبار برای با یان گرفتن این رنج دراز و با یان یافتن این شب‌تاریک با ال افتانده بیروطن سپری می‌کنند. برای آنان بازگشت به وطن آرزویی است که هر روز و هر روز در شعله ورمی کرده‌اند. اما در بنا که دیوار بلند ارتجاع فقا هنی و شمشیر خون‌سپار با ساران جهل و جنابیت همچنان آرزوی آتشین آنان برای بازگشت به میهن و اسکان در خانه بقیه در صفحه ۸

هراس خمینی از شکاف در جبهه حزب‌الله

روز سوم اسفندماه، خمینی پیام مهمی خطاب به "مراجع اسلام، روحانیون سراسر کشور، مدرسین و طلاب حوزه‌های علمیه و همه جمع‌و‌عام‌تادا که قبل از هر چیز سبانه‌سراسیمگی او از فزاینده‌گی معضلات جاری و اضطراب عمیق او نسبت به آینه‌سده رژیم ولایت فقیه است. از آنجا که می‌های بعدی خمینی، و منحل‌ه اظهارات او در آستانه سال نو همه همان خط بی‌سوم استند را تکمیل می‌کنند، حتما در درگاه مقامات این بی‌سوم توجه بیشتری شود. اهمیت این بی‌سوم در چیست؟ واقعیت آن است که بنا فرجامی و شکست اوها م عظمت طلبانه و ما جراحی‌ناهم خمینی، با لاک‌رفتن اختلافات حکومتی و تشدید صف بندی جناح‌ها و با ندهای درون حاکمیت (به ویژه پس از برقراری آتش‌بس)، بحران تشدید اقتصاد دی و افزایش نا رضایی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به رژیم آخوندها دلایل لازم را برای احساس بی‌سوم و نگرانی از جلال و آینده رژیم در مقامات حاکمه به خصوصی خمینی ایجاد می‌کند. اضطراب و احساس خطر خمینی از شکل گیری اختلافات اساسی در درجه‌بندی حزب‌الله و روحانیت حاکم است. صحبت تنها بر سر این با آن رسته اختلافات در عرصه سیاست و اقتصاد نیست، بلکه فراتر از آن، بر سر تشدید و تشدید شدن سیاست، دیپلماسی و اصول است، بر سر جمع‌بندی کارنامه ده‌ساله جمهوری اسلامی، بر سر شعارها و مواضع و بر سر حکومتی آریایی راه‌پی شده است. مدتی است که در حاکمیت منحل‌ه برای شخصی خمینی، نه تنها اختلافات حکومتی و وجود جناح‌ها، بلکه تشدید و تشدید آن‌ها امری مسلم و بدیهه شده است. در فتوای معروف ۱۷ بهمن ماه ۶۶، خمینی به عیب کشید که اختلافات درون حکومتی را با ایجاد رگانی به نام "مجمع تشخیص مصلحت نظام" مهار کند، اما موج اختلافات از "سد" مجمع بقیه در صفحه ۲

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

شهادت رفقای قهرمان خلیل هوشیاری و ناصر عطایی در صفحه آخر روزگار را گرامی بداریم در صفحه آخر پیامدهای فتوای تروریستی خمینی در صفحه ۹ مساله افغانستان راه حل نظامی ندارد در صفحه ۹

### یادنامه رفیق قهرمان رحیم اسداللهی تا به آخر با مردم و برای مردم

### اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر) رفیق رحیم اسداللهی انقلابی پسران، فرزند فداکار مردم، اعدام شد

در ۸ اردیبهشت سال ۶۲ با زدا شدن کردند در ۲۴ بهمن ماه ۶۷ سینه‌های را آماج تیرهای جوخا اعدام شدند. اکنون طیش دل عاشق او چون آوازی با مویی نا پذیر در گوش جانپایان طنین انداز است و به ما در میموند راهی که آگاهان نه‌ودا و طلبانند برگزیده ایم شور و انگی می بخشد.

برای علی، میزان همه چیز توده‌های مردم بودند. نگاه او همیشه در جستجوی خوشبختی و سعادت مردم بود. او با همین میزان و نگاه به جنبش و دنیای ما می‌نگاشت و بزرگی می رفت و راه غلبه بر آن را می یافت.

در سال ۵۶، وقتی توده‌های مردم، سنگین و خروشنده شروع به برخاستن کردند، اندیشه‌های نوین سیاسی در ذهن او و روشنی و فوج نمایان تری پیدا کرد. حلقه مرکزی برای او و جگونیکی راه یافتن به میان مردم و توانایی کرده آوردن آنها به سر پرچم‌هایی به بخش سازمان بود. این چنین بود که علی در مقام نقاد می جریکی برآمد و نقیشت پیشتر از در روی آوردن سازمان به مثنی سازمان تگری جنبش توده‌ای بر عهده گرفت.

او تصمیم‌زنده‌ای بنا برد و کار کردی در راه مردم بود. عاطفه‌ای سرشار داشت و صمیمیت و فروتنی و بی خودی و تکلف نبود، حتی در نخستین دیدار هم با آدم را با او یگانگی ساخت.

سابقه فعالیت سیاسی علی به سال‌های ۴۷ و ۴۸ برمی گردد. در زادگاهش شهر تبریز، او نخستین آموزش‌های سیاسی خود را در ارتباط با رفیقین بهروز و رفیقانی آغاز کرد. بعدها زفر اغت آزادیستان وارد نیروی هوایی شد و در سلک هم‌فرمان درآمد.

علی تا آخر سال ۵۴ به عنوان هم‌فرمان در نیروی هوایی باقی ماند. در سال ۵۲، به خاطر فعالیت‌های او در جنبش‌های روشنگرانه‌اش در میان هم‌فرمان مدتی به زدا شدن به سر برد. با اینکه او فعالیت سیاسی او در میان هم‌فرمان به او امکان داد که در سال‌های ۵۶ و ۵۷، زمانی که جنبش هم‌فرمان مبارزین آستانه انقلاب به سر برد، نقش سازمان‌گرا را در مورش در آن ایفا کند. در حقیقت، او حلقه‌ای ارتباط سازمان با جنبش هم‌فرمان مبارز در آستانه انقلاب به سر برد.

از سال ۵۴ علی یکسره به مبارزه مخفی رو آورد و در صفوف سازمان جا گرفت. او در سال‌های ۵۵ و ۵۶، به مثنی به یک رفیق توانمند در درک صحیح مسائل سیاسی، در امر کار رتسوده‌ای و امکان سازی در خندید. علی طی این سالها که هر روزش با شایستگی و دستگیری رهبران و کار در هم‌فرمان سازمان همرا ه بود، در شرایطی که سازمان در معرض تالانگری ساواک شاه قرار داشت و هر روز بر یکسره آن زخمی تازه‌اش تده می شد، نقش بسیار مؤثری در حفظ موجودیت سازمان ایفا کرد.

استقامت و سخت‌کوشی علی، آمیخته با شایستگی و عطوفت انقلابی سرشارش، به مثنی با هم‌فرمان حیات رزمجویان سازمان را مساعدت بسیار نمود. او هم برای رفقای می که موفق به شکستن حلقه محاصره خانه‌های تبعی می شدند، مکان می ساخت، هم مبارزات به ایجا ده‌تسه‌های کارگری در کارخانه‌ها و محلات زحمتکش نشین می کرد، هم‌تسه‌های هوادار را سازمان می داد و هدایتشان می کرد و هم با مهارت و دلاوری در عملیات جریکی شرکت می‌جست.

شخصیت انقلابی و مردمی رفیق علی در ماه‌های انقلاب بهمن و سال‌های پس از پیروزی انقلاب مردم اساسا با نقش او در تحکیم پیوندهای سازمان با کارگران و زحمتکشان توصیف کردنی است. او نیرومندی و بالندگی سازمان را در پیوند استوار و رول نا پذیر با مردم جستجوی کرد و لحظه‌ای از تحکیم ارتباط و پیوند سازمان با مردم زحمتکش غافل نبود. کارهای ارزنده‌ای که علی در مقام مسئول کمیته انقلابی خوزستان درگتسبش فعالیت‌های سازمان در میان نفتگران و محلات زحمتکش نشین خوزستان در سال‌های پس از انقلاب صورت داد، از این اعتقاد صلی ما به می گرفت.

رفیق وقتی در اردیبهشت ۶۲ با زدا شدن به شکست‌های رزمی کمیته با گذشت، خود را با دژ خیمانی رو برودید که با خون مبارزان راه آزادی و پیروزی مردم و مومی ساختند و از نا له‌سای قربانیان در اتان‌های شکنجه سروش می‌موند. او در برابر این واقعیت تلخ تنه‌ها می‌ساخت. همان اصال و نجات همبستگی به مضاف حلالان برخاست و از جان‌دهنده دژ خیمانی سرکوب مردمی و انقلابی که با جان او سرنه‌نده بود، دست بیابند. نزدیک ۶ سال، با بیداری حماسی، علی غم

هم‌میهنان! رژیم خمینی در ادا مه‌کشتار زنده‌انسان سیاسی، رفیق رحیم اسداللهی، عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر)، مبارز باک با خند و اندک بختی و سعادت مردم را در صبح روز ۲۴ بهمن ماه ۱۳۴۷ به جوخا اعدام سپرد. این جنایت کویا با این نا پذیری کینه‌جویی رژیم جمهوری اسلامی به مردم و مبارزان راه پیروزی آن است.

رحیم اسداللهی شخصیت انقلابی ثابت قدمی بود که در سال ۵۴، نزدیک به ۴ سال قبل از انقلاب بهمن ۵۷، از میان هم‌فرمان مبارزان ایران به موقوف فدائیان خلق پیوست. او طی سال‌های ۵۵ و ۵۶ زمانی که سازمان ما در نتیجه تالان و بیوردی ساواک شاه، هیات رهبری خود را از دست داده بود، نقش بزرگی در جرات از موجودیت و یکپارچگی سازمان ایفا نمود.

رفیق رحیم اسداللهی در ماه‌های قبل از انقلاب بهمن، در جریان او جگری مسبارزات زحمتکشان خانه‌شهران و نفتگران بالانکساره تهران، نقش بسیار نگرانانه‌تری بر عهده داشت. فعالیت‌های او به سبب کشته‌ها و در ارتباط جنبش هم‌فرمان مبارزین از صفات درخشان کارنامه انقلابی وی به حساب می‌آید.

رحیم اسداللهی بودایی جز عشق به مردم و نیک بختی و سعادت آنان در سرنوشت و در راه مردم و برای مردم انسان با کما خسته بود. شخصیت انسانی مردمی و انقلابی او، پرورده زندگی و کار در میان مردم زحمتکش بود. او که خود را زانو دای زحمتکش برخاسته بود، در مثنی با لیا فعالیت انقلابی خویش در راه اکثرش و تحکیم پیوند سازمان خود با کارگران و زحمتکشان لحظه‌ای از تلاش و فعالیت باز نایستاد. به سبب عمیق او با زحمتکشان و درک زنده‌اش از توده‌های مردم موجب گردید، نقیشت بیشتر و بی در و آوردن سازمان به مثنی سازمان تگری جنبش توده‌ها ایفا نماید. به خاطر علاقه و توجه ویژه

شکفته‌های حسنی و روحی توان سوز، با دژ خیمانی دست و پینه‌خیز گردید و با انجام رفیق قهرمان، صبا، رفیق "علی جریک" بود که دژ خیمانی را به زانو و در آورد.

دژ خیمانی در شما مدت اسارت او را آید. توصیف می‌گردند که هنوز سر موضع خودش ایستاده است. آری رفیق علی بر سر مواضع خود در دفاع از مثنی مردم به آخر ایستاد. او را جمله‌گمانی بود که حیره روزانه نعلق داشت. مقاومت و بیداری او در زندان و در شکسته‌های رژیم خمینی به مثنی زنده‌انسان سیاسی الهام می بخشید تا در برابر ددمنشی‌های حلالان خمینی با یاد روتسلیم نا پذیر باقی بماند.

زنان نا پذیری او با جلادان و قداره‌بندان خمینی حدود مردمی شناخت. جلادان به همه وسایل برای در هم شکستن رفیق علی توسل جستند. اما او در تمام لحظات، و علی‌رغم هرنفرتند و سوا لوسی وفادار به مردم و فرمان خود باقی ماند. شهرت دارد که در یکی از بازجویی‌ها، وقتی سر باز او از شدت عصبانیت بر روی علی کتک کشید، او با ریشخند سینه سر نه خود را پیش آورد و تعسره زد "اگر مرد هستی زن را بگریزی توانی، بده به من سینه ججوی می رزم."

در آخرین بازجویی‌ها به او گفتند: "اگر به خواستمان با گردن بگدازی مدت طولانی زندانی نخواهی ماند و اعدام خواهی شد." پاسخ علی چنین بود: "مهم‌چگونه زندگی کردن است نه چقدر زنده ماندن. من برای همه چیز آماده هستم." و با لایحه آخرین کلام دژ خیمانی با او این بود: "صاحبیه اعدام و رفیق قهرمان ما، هم‌تگونه کشته‌ست سازمان ما است. به دژ خیمانی نه گفت و ما سرگ سرخ از شرف و کوهرا انقلابی و مردمی خود سازمانش دفاع کرد."

رفیق رحیم اسداللهی در آخرین دیدارها با ما در و همسر خود سخنانی سرشار از ندک طینتین شکوهمندانه را خوا همد بودیم. در یکبار امروز فرودمان الهام خواهد بخشند. این آخرین کلام رفیق علی جریک است: بخوانیم. بلند فدا سنا ده نجو: نم.

"ما در آن، همسر ما نام، ممکن است مرا بکشند، اما ندک من سخی‌خاسم را حجتان بکم، اگر مرا کتند، به خاطر من لاس ساه پیوسته، لاس فرسوسد. به مردم صل بگویند رحم به خاطر

کار در میان کارگران و زحمتکشان، مسئولیت کمیته با لشی خوزستان به عهده‌وی گذاشته شد. فعالیت‌های سازمان نگران او را در این مقام به سه تحکیم پیوند سازمان با زحمتکشان خوزستان و ویژه نفتگران مساعدت بسیار نمود. زحمتکشان و نفتگران مبارز خوزستان، رحیم اسداللهی را که با نام مستعار رفیق علی جریک شهرت داشت به مثنی نام و چهره‌ای محبوب آشنا، پای بند و وفا دار به مردم زحمتکش در خاطر گرداند. رفیق رحیم اسداللهی در سال ۶۱ به پاس خدمات گرانقدرش به جنبش انقلابی مردم ایران و فعالیت‌های شمر بخش در حیسات سازمان به عضویت کمیته مرکزی سازمان نایل آمد.

رفیق اسداللهی در اردیبهشت ۱۳۴۲ توسط دژ خیمانی خمینی در شهر اهواز با زدا شدن شد. حکومت آخوندی خمینی طی نزدیک به ۶ سال با توسل به خشن‌ترین شکنجه‌های جسمی و روانی، با تحقیر و تهدید، کوشش چندی عظیمی به عمل آورد که او را به زانو آورده و چهره مردمی و انقلابی‌اش را خنده‌دار سازد. آخرین کلام دژ خیمانی با رفیق اسداللهی این بود: "صاحبیه اعدام و رفیق قهرمان ما سرگ سرخ را بگریزد. قلب گرم و پینه‌خیز خود را بجان شعله‌ خا و بدبختی زدنش‌های خویش افراشت تا برای رهروان راه او، جاودان برتوانش باشد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر) به مثنی با بیداری رفیق رحیم اسداللهی در وده‌های آتشین نثار می کند. خاطر ها بنسناک و افتخار آفرین رفیق "علی جریک" جاودانه است و باقی خواهد آمد تا دورهای که برای سعادت و پیروزی مردم خود می یوشیم، توخوا هدفشانند.

یادش جاودان و راهش پر رهرو باد  
کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر)  
اسفند ماه ۱۳۴۷

عصمت خان‌ما و تمام زحمتکشان محل شهید شد. به آتیا بگویند او همیشه به خاطر شما زندگی می‌کرد و حالا به خاطر شما کشته شده است.

علی در آخرین دیدارها شنی شکسته و رنجور اما جانی شفته و سطر و داشت. می‌گویند تمام موهایی سر صورت او سپید شده بود. رفیق کبیر، رحیم اسداللهی تا به آخر دستگر مردم، با مردم، و برای مردم زنده می‌بودی خود را به پای آرمانش گذاشت.  
یادش جاودان و راهش پر رهرو باد.

بر یونانیان اشک مریز  
هنگامیکه اندیشه‌شان می‌یابی  
بیرونی نیت اشک مریز  
هنگامی که به زانو می‌آید  
کار در راه استخوان و قیض برگردن  
بیرونی نیت اشک مریز  
نگاه کن اینک اوست که خیز بر می‌دارد  
نگاه کن اوست که دیگر با ره خیز بر می‌دارد  
شها مش را بازمی‌یابد، می‌گریود،  
و درنده وحشی را  
به چنگک خورید فرو می‌گوید.  
با نسیس ریتوس، تا عرا انقلابی یونان  
ار "ترانه‌های میهن تلخ"

مهاجرین  
باید آزادانه به کشور بازگردند  
پیگرد و سرکوب سازمانهای  
سیاسی باید قطع شود

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان

درباره برگزاری پنلوم اسفند ماه ۶۷

پنلوم کمیته مرکزی روز دوشنبه ۱۵ اسفند ماه ۶۷ با بزرگداشت خاطره فدائیان خلق و دبیر میارزانی که در فاطمه دویلنوم هدفاً متقا جویبی رژیم خمینی قرا رگرفتند و به شهادت رسیدند، آغاز به کار کرد. پنلوم با تخیل و آفرینش در تفکرات رحیم اسداللهی و مهدا لاسی اعضای کمیته مرکزی سازمان و محمدحسن دیانک شوری و حمید منتظلسری، اعضای منا ور کمیته مرکزی وکا درهای فخریه... ان فدائی، همه فدائیان خلق ایران را به یاد آینه سپرد در آرزوی آمان شریف و انسانی آمان قرا خواند.

پنلوم کمیته مرکزی طی یک هفته مسائلی را که در دستور کار خود داشت مورد بررسی قرار داد و در فضای متناهی از احساس مسئولیت نسبت به حفظ یکپارچگی رژیم و محو یا نه آمان در هر زمینه، تصمیمات مشخصی اتخاذ نمود. اهم مسائلی که در پنلوم اسفند ماه کمیته مرکزی بررسی شد، عبارت است:

- ۱- بررسی گزارش هیات سیاسی دربار و اصلاح سیاسی کشور و ضرورت ارتقاء و انتصاب آمان توسط هیات سیاسی
- ۲- بررسی وضع و چگونگی فعالیت گروه‌های سازمانی در داخل کشور و اشکال مناسب فعالیت در شرایط فعلی
- ۳- بررسی نتایج فعالیت کمیسیون برنامهدار و اطمینان نظریه‌ها و آمان
- ۴- بررسی مسائل رویدادها و کنگره و نحوه رسیدگی به پیشنهادات دبیران و ضوابط کنگره
- ۵- بررسی و تصویب برخی قرارها و قطعنامه‌ها

بیرا مون جهات مختلف فعالیت سازمان در بررسی گزارش اوضاع سیاسی کشور، پنلوم کمیته مرکزی بر اهمیت قرارها و تاکتیکی در ترمیم کردن فعالیت سازمان در مبارزه علیه رژیم تأکید نمود. همچنین اهمیت اشکال فعالیت‌های علنی و نیمه‌علنی و قانونی در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرا رگرفت و بهر گزیری بیشتر آمان ضروری شناخته شد. پنلوم به هیات سیاسی وظیفه داد که صحت مربوط به قرارها و تاکتیکی را دنبال کند.

در پنلوم اشکال سازماندهی و فعالیت‌ها و نیروهای فدایی در روند آتی مورد بحث قرار گرفت. پنلوم با تأکید بر سازماندهی، از به کار گرفتن الگوی واحد یاد کرد. اجتناب از عدم تنوع رعایت کرد. پنلوم تأکید کرد که گروه‌های سازمانی از نظر تعداد فعالیت خود باید محدود باشند. پنلوم همچنین درجهت ترمیم ساختار فعالیت‌ها در داخل کشور، یک رشته قرارها را تصویب رساند.

یکی از موضوعات مهم پنلوم بررسی نتایج فعالیت کمیسیون برنامهدار و اطمینان نظریه‌ها و آمان بود. پنلوم گزارشات کمیسیون برنامهدار مورد بررسی قرار داد و تلاش کمیسیون در راستای ترمیم آمان به برنامهدار و فعالیت‌ها تأکید کرد. پنلوم تصمیم گرفت که تصویب طرح برنامهدار جهت آمان به گروه‌ها، به بعد از پیروزی بحث و اطمینان نظریه‌ها در دسترس قرار گیرد. پنلوم موافقت کرد که کمیسیون‌ها فعالیت‌ها را در زمینه‌های مختلف و با توجه به شرایط آمان و اطمینان نظریه‌ها در دسترس قرار دهد.

موضوع مهم دیگری که در دستور کار پنلوم قرار داشت، نحوه رسیدگی به پیشنهادها و پیشنهادها می‌باشد. از اعضای سازمان دبیران و معیارهای

اساسی تعیین نهادها و بندها و قطعیت بخشیدن به ضوابط کنگره بود. پنلوم نظریه‌ها و تصمیمات را در زمینه کنگره، تصمیم گرفت که جهت منا رکت منا تر همه نیروهای سازمان، تصمیمات پنلوم‌ها را در ۶۶ و شهریور ۶۷ دربار این معیارها به بحث گذاشته شود. علاوه بر آن تصمیم گرفت که مجمع بزرگی با حق رای قطعی جهت تصمیم‌گیری نهایی در زمینه‌های زیر اقرار خواند:

- بررسی پیشنهادها حول معیارهای اساسی کنگره و تصمیم‌گیری قطعی دربار آنها
- پیشنهاد کمیته مرکزی (با هیات سیاسی) در زمینه محدود نمودن کنگره
- پیشنهاد کمیته مرکزی دربار دستور کار کنگره

پنلوم کمیته مرکزی برخی قرارها و قطعنامه‌ها را در جهت مختلف سازمان را به تصویب رساند. به هیات سیاسی ما موریت داد که سازمانی را در جهت آمان بررسی کند و تصمیمات لازم را اتخاذ نماید.

پنلوم بررسی گزارشی را در زمینه کمیسیون‌ها و اصلاحات و در جهت آمان به کمیسیون‌ها به پنلوم آتی کمیته مرکزی محول کرد.

پنلوم کمیته مرکزی دربار آمان اطلاع‌دهی، هیات سیاسی، هیات دبیران و دبیران و کمیته مرکزی را برگزید.

پنلوم کمیته مرکزی با اطمینان نظریه‌ها و اعضای کمیته مرکزی در حفظ و تحکیم وحدت و رزمندگی سازمان در ۲۱ اسفند ماه ۱۳۶۷ به کار خود پایان داد.

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت اسفند ماه ۶۷

هراس خمینی...

تشنه‌ی صلحت سرزیر کرد و در آمان قرار گرفت، به نحوی که چند ماه بعد، این مجمع عملاً موضوعیت خود را از دست داد. آنگاه خمینی دربار به "منشور اداری" پیوسته، تلوچا وجود جناح‌های مختلف حکومتی را پذیرفت و کلی اختلافات را به گونه‌ای داد که کنگره را بر سر انجام کار بر سر پیغام ۳ اسفند: به روحانیون، با اعلام اینکه "من همه جناح‌ها را فرزند خود می‌دانم، مشروعیت با آنها و جناح‌های حکومتی را نیز بپذیرد. اما همچنان که گفتیم، سال‌ها از روز خمینی تنها پذیرش مشروعیت جناح‌های حکومتی نیست بلکه احسان خردا زنگل گیری اختلافات و تضامات در عرصه‌های بنیادی تری است. منتظری در سخنرانی ۲۲ بهمن خود برای اعنا سایه، سبج، خاوندان نهاد... درم، آرزوهای ازارنا ده ساله جمهوری اسلامی را به یاد که حاشا اهمیت است. او تصریح کرد که "انقلاب در اصول و اهداف خود موفق نبوده است. او در سخنانش بر نکات و مسائلی انگشت گذاشت که مدتها است ذهنیت بخش گزیری از نیروهای پیرو خمینی را به تحسین و آزار دهنده‌ای به خود مشغول داشته است. منتظری در سخنانش به افت شدید روحیه مبارزانه، از دست رفتن جوانان کشور و برافروختن امکانات و منابع اقتصادی در دهال حاکمیت جمهوری اسلامی اشاره کرد و خواهی که بر سر این بدیده... و سیاست رژیم را در مورد جنگ و نیز شمارها و سیاست‌های دیگر صریحاً مورد انتقاد قرار داد و گفت: "آیا ما جنگ را خوب نمی‌گردیم یا نه؟ دشمنان ما که این جنگ را تحمیل کردند آنها پیروز از کس؟ در آمدند... با یاد آنها بررسی شود... حقدردان این مدت شمارهای دادیم که غلط بوده و خیالی از آنها ما را در دنیا منزوی کرد. مردم دنیا را به ما بدبین کرده و هیچ لزومی هم برای این شمارها نداشتیم. گفتیم همین است که ما می‌گوئیم. بعد هم فهمیدیم که اشتباه کرده ایم. با دید فهمیم که اشتباه کرده ایم."

این آرزوهای از بیلان ده ساله جمهوری اسلامی و این تفاوت‌ها از مهمترین شمارها، سیاست‌ها و عملکردهای رژیم خمینی، اهمیت تنها در این نیست که منتظری آن را گفته است. منتظری ممکن است برای این تفاوت با فشاری کند، آنسرا تبدیل کند و حتی آن را اساسی نگردد، مساله مهم این است که این آرزوهای با بیب آمان که از آن منتظری با شد با قلمبه راه وجود او و مثال او باشد، انعکاس روانشناسی و وقفا توده وسیعی از نیروهای پیرو جمهوری اسلامی است. و این خود تنها انعکاسی بسیار کم رنگ و ناقص از ذهنیت توده مردمی است که قربانیان اصلی سیاست‌های جنگ طلبانه، سرکوبگری و تبعیضی ولایت فقیه بوده‌اند. توده نیروهای پیرو خمینی نیز چه سخواهند چه نخواهند با کنوری جنگ زده، اقتصادی و بران وارد می‌شوند و صمیمت دیده و اشتباهات گذشته و مواجند و واقعیت‌های عینی آمان نا فاسد و

نرومندند هر که از خمینی برای دیدن و گوشه‌ای برای شنیدن دارد منا تر می‌کند. تنها آخوند‌های سالوس و نیکی‌ری چون خمینی هستند که همچنان با لجاجت جنون آمیز سایه راستند، شکست را بهروری، صمیمت را برکت و فلاکت را سعادت می‌نمایند. توده نیروهای طرفدار خمینی به عینه می‌بینند که وضعیت به گونه‌ای نیست که طلبی به نفعی می‌کند. آنها که آمان خوا می‌توانند عدالت‌طلبی در جریان انقلاب به محند آند و از سرکوتی‌ها و استغفار جمهوری اسلامی، امید رفع تشنگی‌های اجتماعی، تعدیل شکاف‌های اجتماعی، قطع وابستگی به غرب و نامین استقلال آزادی را داشته‌اند، پس از ده سال حاکمیت خمینی به سخی دربار نشه و درمی با بندگی نه فقط از زمین رسید، نه قانون کاری تصویب شد، نه دستورات بر ما به داران و کلان تبار از هستی مردم گونا آمد و نه کما بینی در وضعیت اقتصادی یا همه و کشور دیدند و آمد بر عکس، اوضاع درهمه عرصه‌ها، از اقتصاد گرفته تا فرهنگ، به نحو غیر قابل انکار، از افکار نگیر تر شد. به تنها آمان، بلکه دسنا وردهای انقلاب نیز یکی پس از دیگری زبا، شدند. این نیروها رفته رفته احساس کرده می‌کنند که ده سال در این سراب بوده‌اند، احساس می‌کنند که امیدوارمانان به نفعی گرفته شده و احساس از خود کدشتگی‌ها و وفاداری‌ها برآور تر شدن زالوها و مستکبران بوده است. این نیروها احساس می‌کنند که مغفون شده‌اند. در این نیرو رفته رفته تردید نسبت به باورها و شعارهای رسمی و رایج، تضعیف انگیزه "در صحنه بودن"، احساس انفعال و برهیزار آلودگی به نیروهای حتی تقابل و انتقام جویی نسبت به آنچه که به دروغ باور داشته‌اند، شکل می‌گیرد. هراس و اضطراب خمینی نیز از همین است. خمینی دربار من به این نکته عتسراف می‌کند: "تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی چیزی به دست نیا ورده و با نا موفق بوده است، آیا جز به سستی نظام مصلحتاً در مردم منتظری می‌شود؟" بدیهی است که جز این نیست، خمینی برای ارتکاب و توجیه هر جناحی طی این ده سال به "امت حرب الله در صحنه" مندی بوده است، طبیعی است که نمی‌توانند آند هدی خیال رنگ باختن و فریاد شدن انگیزه‌های آمان باشد.

را با وضعیت فوق‌العاده بیخبر روبرو می‌بینند. این وضعیت به ویژه پس از آنکه خمینی ناگزیر شد سرنگ آتش بس را سرکشد، تشدید شده و مهمترین تشخصه آن تشنگی آمانی از شکست سیاست جنگی رژیم، یعنی آسیب پذیری بی سابقه مواضع بیرونی خمینی در برابر منطق مردم و افشا ش فکری و اختلال در جبهه حزب الله است. شکست‌های فاجعا با رژیم در عرصه‌های مختلف، فلاکت اقتصادی، گسترش نارضایتی توده‌های، غیر قابل توجیه بودن مواضع متفا دخمینی برای بیرونی‌ها و لافزده تشدید سردرگمی و ولاتکلیفی حزب الله در جریان سبب سیاست‌های جناح‌های مختلف حکومتی پس از آتش بس، تجزیه در صفوف حزب الله و اختلال در مواضع آنها را آمان زد.

تجزیه در این نیروها با انگیزه‌ها و گرایش‌های متفا و تنوعی صورت می‌گیرد. از موضع با بیداری به آمان خوا می‌کند که با نگرانی گرایش به "تجدید نظر در سیاست، بدیلی، اصول"، در "حوزه‌های علمیه" در میان طلاب و مدرسین با حاشی چون قلمسنتی و فقه‌های اصطلاح بویسا و احتیاطی، رابطه دین، حاکمیت و سیاست و حتی مساله مشروعیت و با عدم مشروعیت نظام ولایت فقیه به طردی مطرح است و این مساحتات از جدی بحث و جدل فراتر رفته و موضوع اختلاف و صف بندی در میان روحانیون پیرو خمینی شده است. خمینی برای خاموش کردن این صداها و جلوگیری از اشتقاق در صحنه، روحانیون طرفدار خود شدیدترین حملات را متوجه "اسلام آمریکا"، شریعت‌داری، "روحانی نماها" و "احتیاطی‌ها" کرده است. در بیان نسبت به خطی که می‌گوید "دین آریاست حد است" هدا ردا دو گفت: "این شمار در حوزه علمیه کارگزار شده است... باید توجه داشت که این تنگدرد طلب جوان نفوذ کنند". او متذکر شد که اظهار طعن‌ها و و کتا به‌ها نسبت به مشروعیت نظام "کار روحانیون طرفدار اسلام با محمدی نیست، بلکه کار روحانی نماهای طرفدار اسلام آمریکا است. نگرانی اصلی خمینی نیاز به اصطلاح اسلام آمریکایی بلکه از مباحثات تندی است که در بین روحانیون طرفدار او در جریان است و تا حدتعارض بیش رفته است. خمینی در این رابطه هدا ردا می‌دهد: "من هیچگاه نگران مباحثات تندطلبی در مشروعیت و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تضامات جناح‌های مومن به انقلاب... اگر خدای نکور است این نیروها شکست شوند چه نیرویی حای آنها را خواهد گرفت". نتیجه می‌گیرد که "اولین وظیفه خمینی شرط گذار از "شبه تاریک و گمراه‌ها" را این می‌دانند که اولاً، آخوند‌های جبهه حزب الله متناهی شوند و نیروی بکدر گمشدیر کنند. ثانیاً، در آراء رگور مسئولیت بیشتر بگیرند و به جای ندرس حوزه‌ای، از گرفتاری مسئولیت دولتی خارج در دستگاه قضایی خودداری نوزند؛ در همین رابطه از اینکه "در اول انقلاب بقیه در صحنه"

گزارش سیاسی پلنوم کمیته مرکزی

پیرامون اوضاع سیاسی کشور

هرچند از زمان تشکیل پلنوم شهرپور... ۶۷ مدت زمان زیادی نگذشته است، اما طی این مدت تغییر و تحولات مهمی در کشور روی داده که بررسی حیات عمده آن جا بر اهمیت است.

مهمترین واقعه میان دو پلنوم، فاجعه هولناک و شبکوارانه قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی است. چنین شبکوارانه در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است. هزاران نفر از فرزندان مبارز مردم ایران به خاطر مبارزه در راه اهداف ترقی خواهانه و مردمی و دفاع از آرمان های انسانی به فوج ترسناک و فوجی قتل عام شدند. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده توسط سازمان تاکنون ۷۰۰ نفر از شهدای این اقدام های اخیر مشخص شده است. در میان این اعدام شدگان اعدای از اعضای کمیته مرکزی سازمان، رفقا رحیم سادات الهی و صداملای اعضای کمیته مرکزی و قهرمانان بزرگ مقاومت، رفیق قهرمان و برجسته محرم خمینی دینا تک شوری و رفیق فدائیکار حمید منتظری اعضای مشاوره کمیته مرکزی، رفیق بیکار جو، حسن دشت آرا، کاربرسته شرکت کننده در پلنوم و سایر فروردین ۶۸ و بیش از ۸۰ نفر از بهترین کارمندان و فعالین سازمان ما قرار دارند. بسیاری از همسران و کارمندان و فعالین پراکنده حزب سوده ایران، اعدای از رهبران و کارمندان سازمان فدائیان خلق ایران (پیروپایانه ۱۶ آذر)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، سازمان چریک های فدایی خلق، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان زمینگشان کردستان (کومله) و بسیاری از کارمندان و اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و حتی تعدادی از روحانیون و وابستگان به خود رژیم از جمله قربانیان تبهکاری فاشیستی اخیر هستند.

جناپتکاران حاکم ایران شاکر کشمیری از زندانیان سیاسی کشور، چه آنها که محکوم شده بودند، و چه آنها که به بیادنگاه راه نیاخته بودند، چه کسانی که مدت محکومیتشان با بیان نیاخته بود چه کسانی که تاقی اسیر شده بودند از دم تیغ گذرانده شدند. این تبهکاری همچنان ادامه دارد. کشتار و سرکوب به میزان در دسترس رسیده نمی شود، همه ادا جدا جدا همسران زیر سر نیزه رژیم به جان آمده اند. اکنون همه پرسند که رژیم از دست زدن به جنایت هولناک قتل عام زندانیان سیاسی کدام اهداف را دنبال می کند؟ به اعتقاد ما دلیل قتل عام زندانیان سیاسی روشن است و رژیم همواره در تلاش بوده جنبش مردمی است و بر همین بستند مددبران مدت زندان را نیز به مثابه یک بخش جدی و فعال و تشدید کننده جنبش به خون کشید. قتل عام زندانیان، هم با هدف سرکوب نهان جنبش در زندان ها و هم با هدف وارد کردن ضربت به کل جنبش دمکراتیک و انقلابی و مرعوب کردن سازمان های سیاسی صورت گرفت. تشدید بحران در هیات حاکمه پس از قطع جونت و تگرانی های ناشی از وخامت اوضاع جامعه می تواند عامل تحریک رژیم به این قتل عام در مقطع زمانی کنونی باشد. وسعت جنایت و کشتار اخیر در حدی بوده که بعضی از نزدیکان حکومت نیز از آن مومن نمادند و این امر اعتراضاتی را برانگیخت.

رژیم آزادی کش ولایت فقیه که سالهای زیادی به بهانه جنگ، استبداد دقرون وسطایی خود را حتی به زندگی فردی و خصوصی مردم میهن ما مسلط کرده و استبدادی ترین حقوق و آزادی های آنها را لگدمال می کند، حال بهر حال قدر نیست به این وضع ادا مدهد. رژیم ولایت فقیه بیش از پیش به تقابل با مردم کشیده می شود.

پس از توقف جنگ، رژیم برای بازسازی کشور، و مقابله با فلج اقتصادی به وسیله گسترده امکانات اقتصادی مالی و انسانی نیا زمین شده است. لازم است امر جلب و جذب نیروی انسانی متخصص و کارآست، ایجاد اعتماد و اطمینان نسبت به رژیم و ترسیم وضع سیاسی با ثبات در اذهان را می طلبد. برخی از سران حکومت می کوشند چهره را بی کنند و در راه طبعی از تحمیل های ارتجاعی خود با هدف تا شیرگداری برافشایند و لایحه ای اجتمعی معین دست به ما نوربزنند.

در درون حکومت نیز نیروهای هستند که برای حفظ موقعیت خود، با بازگشت میلیون ها ایرانی که در آن و متخصص به کشور مخالفند و در این راه سنگ اندازی می کنند. سخنان اخیر خمینی مبنی بر اینکه بازگشت آنها نیا به بطوری باشد که از "انقلاب طلبکار باشد" و "حزب الله عزیز منزوی گردد"، از این مساله سرچشمه می گیرد.

بعضی از مقامات حکومتی به این نتیجه رسیده اند که ضروری است تا برای فراموش نمودن زمینه مناسب مورد نظر شما به داران، به خاطر متقاعد کردن آنها به فعالیت های اقتصادی همه جا نبره تر، در موردی قوانین و روش های حکومتی خود را تعدیل کنند، آنها را تا حدودی در تصمیم گیری ها دخالت دهند، و بعضی از موانع فقهی و قانونی را از سر راه بردارند، و در مسأله انطباق رژیم ولایت فقیه با الزامات نظام سرمایه داری پیش روند. بسیاری از افسران بورژوازی نزدیک به رژیم خواهان چنین تعدیل هایی هستند حتی امکان زمین به سرای آنها را نظرو تا شیرگداری تا بندگان آنها در سیاست گذاری ها، برنا مریزی ها و اقدامات اقتصادی و اجتماعی رژیم فراهم گردد.

درگیری جناح ها و دسته های درون حکومت و اظهار نظرهای متفاوت و اغلب به شدت ضدونقیض آنها پیرامون ضرورت اصلاحات در قانون اساسی، درک از "ولایت" و تعریف مختصاتی فقیه، تعدد مراکز تصمیم گیری و قدرت، بازنگری در سیاست های داخلی و خارجی و غیره... از این زاویه قابل توضیح است.

رژیم بی ادبی جمهوری اسلامی در حالی که مشغول بی سابقه ترین وحشتناک ترین جنایات علیه مردم است، سخن از "آزادی فعالیت احزاب" به میان آورده است. هنگامی که حتی نزدیکان منتقد و آخوندهای وابسته به هیات حاکمه اعدام می شوند، سخن از آزادی فعالیت احزاب سیاسی، سخنی گزاف است. اجازه فعالیت به احزاب اسلامی، در شرایطی که سبیل خون در زندان های رژیم جاری است، در رابطه با جنگ قدرت در هیات حاکمه و شرکت دادن طیف وسیع تری از اقلیت بورژوازی در حیات سیاسی و اقتصادی جامعه است.

تردید نیست که برای دست اندرکاران، منظور از "فعالیت احزاب و گروه های سیاسی"، پذیرش و رسمیت یافتن حق انتقاد و اظهار نظر جناح های درون حکومت است، و حداکثر برخوردی که در این زمینه میسر است، بر مبنای دوگانه است: از یک سو، سرکوب و تخریب گروه های مخالف و از سوی دیگر، تعدیل و تعدد در هیات حاکمه و دست برداری در زمینه "آزادی احزاب" در ادب و برمی گیرد. ما هیات دمکراتیک و مردمی رژیم جمهوری اسلامی در مجموع با فعالیت هر گروه و دسته و حتی محفلی که در آگاه گرداندن توده ها، دخیل بوده و بدون بیعت با امام" و در "مسیر عا ولایت فقیه" لب به انتقاد بگشاید، سازگار نیست. چه در راهی ها و مانورهای رژیم در این زمینه متضاد و متناقض نیروهای است که در درون رژیم موقعیت خود را در برابر جناح حاکم، در مقامی می بینند. به علاوه بعضی از سران حکومت می کوشند تا با چنین مانورهای موقعیت رژیم را تحکیم کنند، زیرا اکنون آزادی مبرم ترین و موثرترین شعار جنبش اعتراضی علیه رژیم ولایت فقیه است. اوضاع بحرانی جامعه و نا رضایتی عمومی و روی گسترش توده های از تحمیل های ارتجاعی مذهبی، جنگ قدرت در حکومت پیرامون سیاست گذاری و تصمیم گیری کل رژیم در مهم ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور، و ما هیات دمکراتیک و استبدادی رژیم ولایت فقیه که اساسا از سیاست دین و دستگا ه روحانیت بر حکومت سرچشمه می گیرد، از عوامل مهمی هستند که دسته ها و جناح های درون حکومت را درک حق انتقاد و بیان نظر آتشان در رابطه با سیاست ها و اقدامات یکدیگر کماکان درگیر خواهد ساخت.

شتا بگیری درگیری ها و تفرقه های درون حکومتی

برای بررسی همه جا نبره تر بحران حکومتی بهتر است، روند های طی شده از زمان انتخابات مجلس سومتا هنگام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط سران جمهوری اسلامی را اشاره و مرور کنیم. این امر به ما کمک خواهد کرد تا تفرقه های درونی هیات حاکمه در حال حاضر را دقیق تر بشناسیم. از مدت ها قبل تر از انتخابات مجلس سوم جناح موسوم به راست و جناح رفسنجانی - دولت در مقابل هم صف آرا می کرده بودند و عناصر موثر رژیم هر کدام از یک طرف شتابانی می کردند. در زمان انتخابات با مجلس سوم، جناح آخبر که دست بالا را در حکومت داشت، با حمایت خمینی و بهره گیری از نقش ویژه وزارت کشور تز "مجلس یکدست" را پیش برد و رسالت را عقیب راند. مضمون اصلی اختلافات این دو جریان در آن هنگام همان اختلاف قدیمی بر سر حدود دخالت دولت و نقش بخش خصوصی در اقتصاد

بود، که در آن هنگام با شعارهای انتخابی سحر جریان جدا شده از "روحانیت مبارز تهران" مزین شده بود که "با زکشت به موا عید و ولید انق... لایه را مطرح می ساخت.

آندکی پس از آغاز کار مجلس، هنگامی که زمان شعارهای انتخابی با بیان گرفت و هریک از نمایندگان در سر جای اصلی خود قرار گرفتند آرایش نیروها در مجلس خصوصا زیر تا شیرما سیل مربوط به جان نشینی خمینی و پذیرش آتش بس بسا گونه ای دیگر شد.

رفسنجانی با حمایت خمینی وظیفه خاص جنگ را به عهده گرفت و جمهوری اسلامی در میان بهت وحیرت هواداران خود، در ماه نوامبر از جنگ و زیر فشار رتوده ای، در ضعیف ترین موقعیت آتش بس را پذیرفت. تقویت موقع و موضع رفسنجانی از یک سو خمینی و با حمایت خانه ای با تضعیف موقعیت آیت الله منتظری که از ادامه جنگ و درگیری با آمریکا سخن می گفت، همراه بود.

جدیدی قرارداد داد. مساله طروق و چگونگی بازسازی اقتصاد ایران شده کشور و ترسیم خرابی ها و مشکلات ناشی از جنگ هشت ساله، به عنوان عمده ترین مساله در مقابل رژیم قرار گرفت. شرایط و اوضاع و احوال جدید پس از جنگ، رژیم برای بازنگری در سیاست های گذشته تحت فشار می داد. قبل از این همه جناح های حکومت بر داد جنگ تا کیدنا شد و ما پیرما سیل را نسبت به آن فرعی می شدند. در آن هنگام برای جمهوری اسلامی مور اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی کشور عمده در خدمت جنگ بودی با فکر ادامه جنگ و مصالح سیاسی و تدارکاتی آن رقم می خورد، اما قطع جنگ تغییر در این سیاست الزامی گردید. سیاست گذاری و تعیین سمت گیری های جدید، توجه به آرایش نیروهای درون حکومت، تشدید تفرقه ها و درگیری ها، جناح ها و تغییر در مواضع این درگیری ها را به همراه داشت.

مساله بازسازی کشور و به طور کلی سیاست های اقتصاد و رژیم به تبع آن سیاست خارجی و در واقع چگونگی رابطه با غرب، در حالی که در اوضاع خاص ترین مابین تفرقه های درون حکومت هستند، در این چهار چوب درگیری و اختلاف در رابطه با نقش دولت و بخش خصوصی، مسایل مربوط به اختار حکومتی، نوع برخورد با مردم و فعالیت های سیاسی و اجتماعی هم به طور حاوی به چشم می خورد. جنگ قدرت بر سر قبضه هر محلی حکومتی نیز به طور شدیدتری مطرح است.

در میان جناح های درون حکومت بر سه مسایل مطرح شده اکنون دوگرایش عمده ما هستند: تکوین ناپخته چشمی خود را که هر یک از آنها طیفی از نیروها را با خود همراه دارند.

شخص ترین چهره یک جریان رفسنجانی است که در حال حاضر با خانه ای منافع و زیاده مندی با افتخار زحمت بخش بزرگی از مقامات طراز اول رژیم برخورد را است. این جریان در مجموع راه حفظ رژیم و پاسخویی به مشکلات اقتصادی کشور را، رفیع هر پاسخ محدودیتی در برابر سرمایه داران بزرگ، اجراء سیاست اقتصادی "درهای باز" و گسترش و به بهیو رابطه با غرب می جوید.

رفسنجانی و دارو دستا و تلاش می کنند تا قبل از برگ خمینی سمت و سیاست رژیم را قطع کنند، قدرت خود را تحکیم و حریفان را از میدان بدر کنند. در حال حاضر آنها خواهان اصلاحات تفسیری قانون اساسی به ویژه افزایش قدرت رئیس جمهور - که رفسنجانی خود را برای آنها حمایت این پسر آمده کرده است - هستند. حمایت این جریان از تفسیر جدید و مطلق وضع سیاسی فعلی خمینی مشخضات ولی فقیه در "مشاوره برای" که به صلاحیت سیاسی و اجتماعی فقیه و صلاحیت اطرافیان نزدیکان او تا کید کرد، و در واقع منتظری را مور خطاب قرار داد، از همین راه به قابل بررسی است.

با در رفسنجانی که در تضعیف موقعیت منتظری تلاش می کند، در پیشبرد این مشی کوشید تا با راهای تعدیل های عوام فریبانه برخی از قیودات و تحمیلات رژیم ولایت فقیه حلقه های موثر بوروکراسی و نیروهای مسلح را به خود همرا ه سازد و حیات برخی از اقتصاد و ولایتها اجتمعی را جلب کند.

جریان مهم دیگر حکومت هر چند به انداز زهد است اول انسجام ندارد، ولی دارای سمت و نظرات که بیش یکسان نیست. عمده ترین مسائل مشترک منازعه درون حکومت است. حلقه های اصلی تشکیل دهنده این جریان که مجموعا تا چندی پیوسته و متحدین رفسنجانی در مقابل سرمایه داران و محدودی رئیس جمهور بودند، امروز رفسنجانی فاصله گرفته و در عمل در اکثر موارد با او همراه







### لایحه بودجه سال ۱۳۶۷

## مظهر و رشکستگی و واماندگی رژیم

لایحه بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور که قرار می‌گیرد پس از تدوین و تصویب "برنامه اول توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی" و براساس این برنامه مقبل از پایان ۱۳۶۷ تهیه و به مجلس سرده شود، در اوایل دی ماه سال جاری به مجلس ارائه گردید. دولت میرحسین موسوی ضمن حفظ وضعیت جنگی در کشور برنامه مقبل سال توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در میانه ماه سال ۶۷ به مجلس برد و مجلس نیز بناچار کلیات آن را تصویب کرد. بودجه سال ۱۳۶۸ بدون ارتباط با این برنامه تنظیم و به مجلس ارائه شد.

واقعیت های موجود نشان می‌دهد که هیچ چشم‌انداز روشنی در برابر طراحان برنامه بودجه ریزان رژیم وجود ندارد و هر کسی برحسب موقعیت و روابط خود اندازه ویژه‌ای را ترسیم می‌نماید. این خود یکی از مظاهر تناقضات شدید رژیم است.

بودجه‌گذاری رژیم‌اساسا مبتنی است بر تهیه رزبه هر طریق ممکن. اما کاهش شدید درآمد نفت و نبود امکان دیگری جهت تهیه رز، درآمدهای مالی دولت را بسیار شدید کاهش داده است. تولید مومسات نیز اساسا افت جدی رو بر او است. در چنین حالتی افزایش مالیات ها و دریافت قرض از سیستم بانکی که اساسا به معنی حباب شکناسی است، نتوانسته است، تنها راهی برای تهیه رز باشد. حاصل این اقدام نیز در هر حالت شدید تورم و کاهش درآمد مردم و بی‌سوز زحمتگان جامعه است و از سوی دیگر افزایش سرسام‌آوردن مدتها و سرسام‌باران با سرسریک وضع اینک به این صورت درآمدها است که طی سال گذشته بودهای رسمی و غیررسمی بدهی دولت به سیستم بانکی به رقمی بیش از یک هزار میلیارد تومان بالغ شده، نقدینگی بخش خصوصی به حدود ۱/۵ هزار میلیارد تومان رسیده و درآمد ملی به سطح ۱۵ سال پیش افت کرده است. با این توجه که دولت نسبت به درآمد ملی در شرایطی رخ می‌دهد که جمعیت کشور از حدود ۳۰ میلیون نفر به بیش از ۵۰ میلیون نفر رسیده است. این بدهی گسترش‌یافته محرومیت، نخست وزیر با بر روی تمام مجلس اعلام می‌کند:

"ارز بل ۱۳۵۶ تاکنون مردم با به طور متوسط سالانه ۱/۲ درصد از مصرف خود کاسته‌اند... البته رقم ۱/۲ درصد تورم بسیار نا رساست زیرا اقسا ر مرفه‌ترین مایر ز شرکت نکرده‌اند. محروم‌ترین اقشار این ملت و متعهدترین طبقات مردم نسبت به انقلاب حلیما ن نویبه تنها بی تمام این بار را به دوش کشیدند". اگر این واقعیت را بد زبان ساده بیان کنیم، این حقیقت چنین می‌شود، در طبع سوسول ده سال حکومت آخوندها، محروم‌ترین اقشار ملت هر سال فقیرتر شده‌اند و قدرت خریدشان با نسیب آهسته آهسته در این رابطه به ده‌های کپی‌ساز هوایی ۲۸ دی ماه ۶۷ را محده می‌کنیم، مطابق این داده‌ها ۵ میلیون نفر از اهالی کشور روزی ۶ ریال و به عبارت دیگری یک خانواده ۵ نفره ۳۰۰ ریال درآمد دارند. در حالی که ده سال پیش ۳۰۰ هزار خانوار درآمدی معادل ۴۰۰ هزار تومان در ماه دارند. سال‌های گذشته ۸۰ درصد ثروت کشور دست نیم میلیون نفر است و ۶۰ تا ۷۰ درصد جمعیت ایران در حفره فقر زندگی می‌کنند.

علیرغم بدهی عظیم دولت به سیستم بانکی و با وجود پرداخت منافع هنگفتی در سال ۱۳۶۷، دولت میرحسین موسوی نتوانست هزینه‌های جاری کشور را تا پایان سال تا مین نماید و مجددا در اوایل سال دیماه لایحه‌سری دریافت قرض بیشتری را به مجلس برد. فضای محتوای لایحه‌سری توسط روزنامه رسالت، حاصل کمکت های درون حاکم‌های مختلف رژیم بود.

نخست وزیر موسوی ضمن ارائه لایحه بودجه به مجلس می‌گوید، این بودجه با بودجه سال ۶۷ فرتی ندارد. بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور همانند سال قبل تا مین نماند. در این جهت در اکتوبر قرار گرفته است، یعنی برای نهمین سال بیش از نیمی از بودجه به طور مستقیم و بخشی به طور غیر مستقیم به جنگ اختصاص یافته است.

بدون در نظر گرفتن هزینه‌های ناشی از جنگ، هزینه‌های جاری نسبت به سال قبل ۲/۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. علیرغم کاهش درآمد های دولت، لایحه بودجه رقم درشت تری را برای تغذیه دستگاه عریض و طویل دولت که هر روز گسترش بیشتری می‌یابد، اختصاص داده است. لایحه برای تا مین اشپهای سیری نا پذیر آخوندها و آخوندها زاده‌های کدورت‌پس از مورخان رژیم و گسترش دستگاه های سرکوب‌کننده برای حفظ رژیم را می‌نماید. در این جهت

که حدود ۸۰ درصد بودجه به هزینه‌های جاری اختصاص یافته است. جهت تا مین هزینه‌های فوق به دلیل کاهش درآمد نفت، دولت افزایش سهم مالیات ها مستقیم و غیر مستقیم را تا حد تا مین ۵۰ درصد بودجه درآمدهای بودجه در نظر گرفته است. در توجه به تحریر سال های قبل، طی حاکمیت آخوندها وصول مالیات از ما حبان درآمدهای کلان ناممکن بوده است و بنا بر این این رقم باید از ما حبان درآمدهای ثابت و کسب‌خیز وصول شود و این بار طاقت فرسای بی بردن زحمتگان مین ما ست.

با وجود افزایش تولید و صدور نفت و افزایش رقم مالیات ها، مطابق محاسبه‌های تازه نماینده مجلس، بودجه سال ۶۸ بیش از ۱۴۰۰ میلیارد ریال کسری خواهد داشت. البته به دلیل اغراق در آ میزبونی پیش‌بینی های مربوط به ستون درآمد در چند سال اخیر، دولت مجبور شده است در ثلث آخر سال لایحه منتهی بودجه را برای دریافت اجاره اجاره استقراض بیشتر از سیستم بانکی به مجلس ببرد و در سال ۶۸ نیز تکرار وضعیت سال های قبل تاگزیر به نظری رسد. هیچ مانع و برنامه‌ریزی برای عمل نمی‌کند. تا آنجا که روزنامه اطلاعات می‌نویسد: "تا زمانی که کسری بودجه و میزان استقراض دولت از سیستم بانکی و همچنین نقدینگی کلان بخش خصوصی تحت ضوابط مشخص و معینی در دنیا پیدا نمی‌توان مدعی برنامه عملی توسعه از یک سو و مبارزه با تورم و کاهش ارزش پول از سوی دیگر شد. وقت به‌شود که استقراض دولت از سیستم بانکی و صرف آن در راه هزینه‌های جاری نشنا تگر بی‌بسیاری اقتصاد دی است که می‌بایستی به سرعت در راه معالجه آن کام برداشت. هر دو بودجه یعنی بودجه سال ۱۳۶۸ و منتهی سال ۶۷ نشنا تگر با تانگی دستگاه بودجه بندی و برنامه‌ریزی جامعه است (اطلاعات ۱۲ آبانم). آری، واماندگی و در مانده‌نگی در برنامه‌ریزی و نبود هرگونه برنامه‌ریزی برای پای بندی به برنامه اقتصادی و رها شدن تولید و اقتصاد کشور و هزار اقدام مشابه آن، علیرغم ادعای رژیم در باره "دهه‌های زری" همچنان بی‌انگترت و آرموت شدید و بی‌انگتری های رژیم در تولید و اقتصاد است. □



می‌کند، انجام گرفته است، قادر نیست بر عزم و اراده ما در مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کوچکترین ظلی ایجا کند. هر چند اساسا فاجعه بزرگ و جبران نا پذیر است، اما اراده پولادین خلق ما و فرزندان بی‌رومندان، بر مستبدین حاکم بر مینما ن پیروز خواهد شد. رژیم خمینی با توسل به چنین جنایت‌های بی‌نهایتی اندر ما را برای دستیابی به اهداف ارتجاعی و ضد مردمی خود هموار کند. سران جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از ضعف و پراکندگی نیروهای انقلابی و ترقیخواه کشور جرات دست زدن به چنین جنایتی بی سابقه‌ای را پیدا کردند. آنها می‌کوشند تا بسا تشدید اختناق و سرکوب نیروهای مترقی کشور زمینه را برای تثبیت و تحکیم رژیم خود قرار دهند. اختناق و استبداد بی سابقه‌ای که سرکوبگر ما را زه‌های آزادی را باعث و قدرت بیشتر تری مطرح کرده است. در حال حاضر مبارزه برای آزادی های سیاسی، از طریق مبارزه در راه توقف اعدام ها، نجات جان زندان سیاسی، علیه شکنجه و اعدام و تعقیب و پیگرد نیروهای انقلابی و دمکراتیک کشور، در راه سرکوب همه ما زمان ها، اجزای و نیروهای ترقیخواه ایران قرار دارد.

فدائیان خلق همه نیروها و شخصیت های مترقی کشور را به مبارزه مشترک علیه شکنجه و اعدام تروروا اختناق حاکم بر ایران فرا می‌خوانند. ما آماده و خواهان وسیع‌ترین همکاری در جهت کمک به خا نواده‌های شهدای اعدام‌های اخیر و زندانیان سیاسی کشور هستیم. در این راه ما باید همه امکانات به طور مفتی سود جست.

در شرایط خاص کنونی با بد تلاش کردن نیروهای انقلابی و مترقی کشور متحد شوند و به صورت یک آ بوزیسیون قدرتمند بر ما مدتها بنند. فدا نشان خلق به نوبه خود می‌کوشند تا علاوه بر ورود ما تمام نیروی عرصه ما رز همه جا ننه علیه رژیم، در جهت ایجا دیک آلتربا تیو متحد کنند با شعار فدا نشان از طبع، آزادی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تلاش نما بنند.

اوضاع کنونی و نیروهای اصلی جنبش ترقیخواه کشور، از همه احزاب، سازمان ها، جنبش ها، مجامع و شخصیت های مترقی ملحد و دست آرد؛ بیخو اه طلب می‌کنند تا خاطر میسازد رز در راه دمکراسی و بر انداختن رژیم مستبد و ضد مردمی جمهوری اسلامی متحد شوند. □

ایمانی مقیم کستان و ایران با ادا محبت و کشتار باخ یافت. مذاکرات زود رسال گذشته و در بی آن خروج کامل نیروهای نظامی از افغانستان در آن نستان نشا نه تعادل جدی و اقدام موافق بینا نه دولت های افغانستان و اتحاد شوروی در حل مسالمت آمیز است. تجربه نشان داده است که توسل به راه حل های نظامی که گه گاهی منکلا فغانستان نیست، شلانی مسئولانه است که هر چه مستعد شوروی راه حل های سیاسی مناسب با منافع مستبدم افغانستان متمرکز کرد.

با خروج کامل نیروهای شوروی از افغانستان و پای بندی دولت های افغانستان و شوروی بسا فرار دزدانو، اقدامات دیپلماتیک و صلح دوستانه آنها، زمینه‌ساز ای جامعه جنگ و استقرا ریک دولت اشتلانی افغانستان بیست از هر زمان فرا هم گردید. اما گروهی ای همت گاه به مقیم با کستان خصوصا چپا رگرو و بنیادگرای خمین آن کشور، با تانگی یک جا سبب درخواست خود منی بر استقرا ریک رژیم بنیادگرای اسلامی در افغانستان، و عدم پذیرش یک حکومت اشتلانی مورد قبول همه طرف های در کبیر، غیر مسئولانه سرا د با جنگ و کشتار در کشور با فشار می‌کنند، تا کبیر ادا محبت کاملی جز ویرانی بیشتر کشور و افزایش ملامات و فقر و تنگدستی مردم افغانستان نخواهد داشت، و مسئولیت آن به عهده گروهی ای مورد حجت است. عقل سلیم حکم می‌کند که همه طرف های در کبیر مانعه ملسمی را سبب بریند و سراراده مردم افغانستان مینی بر حلال سیاسی مسایل کشور تا ن کردن بنند.

مواجه رسمی اعلام شده توسط مقامات جمهوری اسلامی طی ماه های اخیر و به خصوص سخنان وزیر خارجه خمینی طی مسافرت بنمن ما خود به کستان، همه جا که ایران است که رژیم جمهوری اسلامی ملحد در افغانستان را با خواست های توسعه طلبانه خود بیودمی دهد. رژیم خمینی جدر مذاکرات با کستان و شوروی و جدر مذاکرات با گروهی ای مقیم با کستان، از خط منی مسئولانه با ن دادن نوری به جنگ و تشکیل دولت اشتلانی با شرکت همه نیروها پیروی بگرداد است.

جنبش بی سابقه فتل عام برداشتیگان سیاسی توسط رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی که با هدف تضعیف آ بوزیسیون اشتلانی و ترقی خوا ه کشور که در جهت بر اندازی رژیم مساباره

کشور قرار داشته‌اند، عطفی است چنانچه با یکدیگر مغایرت تمام می‌یابد. حقوق بشر که در عین حال به سر روندهای بشریت مذاکرات طبع لطمه وارد می‌سازد. در اینجا لازم است به مواضع و سیاست های رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با همه اینها به شرتسی کشورمان افغانستان اشاره کنیم.

پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی خلق های مین ما و افغانستان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. وجود زبان، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک بین خلق های ایران و افغانستان از دیرباز زمینه‌ساز نزدیکی و حسن همجواری دو کشور همسایه بوده است. دولت و مردم افغانستان بیروزی مردم ما بر رژیم‌ها را چون ایرانیان جن گرفتند و از همان ابتدا از حمتکشان ایران پشتیبانی کردند. حکومت افغانستان طی هشت سال جنگ ایران و عراق مواضع بی طرفانه خود را حفظ کرد و همواره بر ضرورت قطع جنگ و برقراری صلح از طریق مذاکره با فشاری نمود. در باره مناسبات دو کشور نیز این دولت همواره خواستار عدم مداخله، حسن همجواری و همکاری در زمینه مسایل مشترک بوده است. اما رژیم جمهوری اسلامی از فرادای بیروزی انقلاب در ایران به تحریکات علیه دولت و ملت افغانستان آغاز زنداد. سران رژیم جمهوری اسلامی استقرا راجا کمیت مردمی در افغانستان را که هدف آن تلاش برای درهم‌کنش نظام کهنه و استقرا ر تنظیمی خود کرد، در مسامحه ارتجاعی خویشتن دما زنیافتند. حضور وجود افغانستانی دمکراتیک و مترقی در همسایگی مین ما و تا شیرکداری آن بر مبارزات دمکراتیک و عدالت خواهانه مردم ایران، برای رژیم خمینی خوشایند نبود و نسبت به این امر سبب شده است تا رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز با بیورش فدا تلاشی اجبرنا لسمو و رجاع متنفذ علیه انقلاب افغانستان همسوی کند. مواضع رژیم خمینی در رابطه با دولت جمهوری افغانستان و بی‌مسئولانه مداخله جویانه آن برای سرنگونی حکومت افغانستان با مواضع امیرالایم آمریکا، عربستان سعودی و سرگردگان ارتش با کستان یکسان است. اینکارا ملحد و ستاند و مسئولانه دولت است.

افغانستان و اتحاد شوروی برای مصالحه ملی و پایان دادن به جنگ، علیرغم جنس نیت و عطف فراوان از جانب آنها، توسط باندهای مدا انقلاب

چهار میلیون مهاجر ...  
خودشان را مانع می شود.

این مهاجرین کجاستند؟ از اقلیتی غارتگر و زرادن دوخته بگذریم، کین چهار میلیون ایرانی آواره بخش، بسیار مهمی از گرانقدرترین سرمایه های انسانی میهن ما هستند که استبداد و ارتجاع آنها را از کشورنا آواره کرده است. بخشی از مهاجرین شامل رهبران، کادرها، اعضا و هواداران سازمان های انقلابی، میهن پرست و مرضی هستند که در معرض شدیدترین انتقامجوی های رژیم خمینی اند. کارنامه آنها عبارت از کارنامه مردمی است که برای خواست ها و آرمان های بشری حق خود، برای قطع جنگ، برای برقراری آزادی در کشور، برای بهبود زندگی توده های مردم، برای پیروفت و ترقی میهن خود، برای بی افکندن حاکم های مبتنی بر عدالت و آزادی مبارزه می کنند و در این راه زندگی خود را تنهار می کنند. این فرزندان شریف ایران، علیرغم تفاوت های طبقاتی، مسلکی و سیاسی، همگی امروز خواستار ریایان دادن به سبب ظلمانی استبداد فاشیستی و آزادی مردم ایران از زندان جهنمی آوندها هستند. رژیم ارتجاع با پایمال کردن آزادی، با منع هرگونه فعالیت قانونی احزاب و نیروهای سیاسی، با برقراری رژیم اختناق، آغازکننده خونی با نیروهای مترقی کشور ما بود. در جریان این جنگ خونبار است که موازات شهادت و اسارت دهها هزار آزارگران آسمان مقاومت مردمی، دهها هزار ریزش زمین نمود آورده و برای نا مین شرایط تداوم نبرد، زندگی، تلخ، رنجبار و فرساینده مهاجرت را بدینا شدند. مهاجرت این جمع عظیم خادمان وطن خرابه های سنگین بر زندگی سیاسی، اجتماعی کشور است. ضربه ای که از نظر هرتیگا رانه ترین اقدامات ارتجاع حاکم علیه مصالح مردم میهن ما است.

مردمی را که مال کند؟ آیا نه این است که حتی مخالفین رژیم نیز برای حفظ آبروی خود در برابر خراجان که ای از مردن همه خنایات آن ترمی کنند؟ آخر کدما ما این (نمیگویند) متمدن) غیور دیوانه آنا به وضع کشور ما می تواند این افسانه ها و واقعیت یافته را باور کند؟ مهاجرینی که بدین دلایل واهی و عجیب و شرم آور آمیختن حور ا نه شدند، کسانی هستند که جسیا رموارد کوی سفت را در تخصص و دانش و خلایق از همتایان میزبان خود نیز برده و به تنهایی بر سرین کشورنا نشان افتخاری شده اند. در آلمان و آمریکا و بسیاری دیگر از کشورهای بیقرتته، عده ای از بهترین و معتبرترین پرسورها، خراجا، روانشناسان، استادان دانشگاه ها، مهندسین، مدبران کارخانه ها، خیاطان، آرنیستک ها، متخصصین کامپیوتر و حتی برخی از دانشمندان علوم فضایی ایرانی هستند. حساب کنید برای تربیت یک پرسور خراج کسه ریاست فلان بیمارستان معتبر فلان کشور بسیار بیشتر قرتب غرب رایه عهده می گیرد، هقدر سرمایه و استعداد دلان ما است؟ حساب کنید دهها هزار دانشمند و مددا و صدها دانشمند متخصص در این سطح چه بهره ای برمی گیرد؟ حساب کنید دهها هزار دانشمند و متخصصی که آواران و آنا از کشور ما گواخته شدند، آنگاه بعد از هجرت بیخ از پیش فاش می شود. به کمک متخصصین ایرانی در مهاجرت می توان نامی امروز کشور چند میلیونی را سازمان داد و به گونه ای موفقیت آمیز و با استفاده از عالی ترین سطح جذب تخصصی پیت برد. این نیروی عظیم، نیروی مردمی است. اینها فرزندان کشور ما هستند. اینها بخشی از مردما هستند، برای تربیت آنا مردم ما هزینه گزاف پرداخته اند. برای بهره گیری از کار و تخصص آنا مردم ما آرزوهای بسیار برورده اند. گواختن این نیرو و مظل کردن آنا جنایتی هولناک بر ضد مردم ایران است. جنایتی علیه حقوق بشر و علیه حیثیت و شرف انسا ن است.

افزون بر این، صدها هزار ایرانی به دلیل نبود شغل و امنیت شغلی، به دلیل وابستگی خانوادگی به اعضا سازمان های سیاسی و خطری که از این جهت آنا را تهدید می کند، به دلیل فرار از جنگ و یابی خانمانی در نتیجه ویرانی عسای جنگ، به دلیل تسخیر در محیط های آموزش و تربیت انکانات آموزشی، به دلیل تسبیفات ملی و قومی و مذهبی و خطری که از این جهت آنا را تهدید می کند، به دلیل جیال و غارتگران آوندها و سایرین و عا جورا آنا به هزار دلیل دیگر آواره غربت اند. این همه میهنان با دریدترین شرایط زندگی خود اسیری می کنند، عدم امنیت بی قانونی، تهدید و خطری که به اشکال مختلف بر زندگی آنا در کشور ما افتاده، آنها را به غربت گواخته است. اکنون مهاجرت نیز بر آرم این توده عظیم ستمدیده افزوده شده و خطر آنگه حتی به همین جرم زندگی و خانه و آشیانه خود را از دست بدهند میان آنا و میهن شان جایل افکنده است.

چهار میلیون ایرانی مهاجر و آواره مبرم ترین خواستنان تا مین شرایط بازگشتان به کشور است. سران ارتجاع، پس از قطع جنگ و سر بر آوردن مشکلات عظیم خود ساختن در برابر سازمان های کشورهای غربی، آنا با تحسین ازل و ازم حذب متخصصین مهاجر می گویند. اما آنا با نه جز

برخی حرف های تبلیغاتی، بپوک و بدون پشتوانه و تمسین تا کنون چیزی نگفته اند. همین حرف ها نیز با توسط خودکویندگان و ویا به گونه بارز و سبب توسط رهبران یعنی خلیفه چرامان بپوک و بساد هوا می شود. نطق های خمینی در طی ماه اسفند و خطری که وی در باره زکشت میا جرین از نگاه "حزب الله" ابراز کرد، به خوبی بی پایگی مواجندردی و نسیم سندوتلیفات ی رژیم را روشن می کند.

خواست ۵ میلیون ایرانی و چهار میلیون میا جرا ایرانی این است که همه میا جرین بسیم کشورنا بازگردند. تعقیب و تهدید و بازداشت میا جرین و ممانعت از بازگشت آنا نه به کشور، جنایتی است که با بدیایان با بد. کشور ما به قرتندان خود، به مغز و زو و ابکتا روم زندگی بروردگان خویش نیا زمیرمدا رد. ما ز به بکسر، مستگرا نه و موثر برای بازگشت میا جرین به میهن، وظیفه انقلابی، انسانی و میهنی بزرگی است که همه سازمان های میهن پرست را ملزم به پیگیری آن در راه آن می کند.

بدون شک ارتجاع فقا هتی همچنان خواهد کوشید که در برابر این خواست مردمی بسند، حکومت مستبد آخوندی و تداوم هزاران تحمیل ارتجاعی در زندگی مردم خوددهان سد ملی است که چه چهار میلیون هموطن میا جرا از میهنشان دورنگاه می دارد. در چنین شرایطی ضروری است که مستقل از اختلافات مسلکی، عقیدتی و سیاسی نیروی عظیم میا جرین برای تحقق هدف بازگشت به هم بیوندند. با بد برای متحد کردن میا جرین و به کار آنا اختنک نیروی سترگ همکاری و اتحاد آنا، علیه رژیم استبدادی و به منظور دفاع از صلح و آزادی و بازگشت به میهن با تمام توان بکوشیم. با شکه درد مشترک این جامعه چهار میلیونی، آفریننده مدلی و اتحادی با شکه کشور عزیز ما را در دستا بی به صبح آزادی و بهروزی برای رسات.

اینچنین در چشم انتظار  
شبها چندان دراز می گذرد که  
ترانه ریشه افشان کرده  
درخت و ابرو بالیده است  
و آنا نکه به زندان هاندرند،  
مادر!  
و آنا نکه روانه تبعیدگاهها شده اند  
هر بار که آهی برآرند،  
نگاه کن!  
اینجا برگی برایین سپیدار  
می لرزد.  
"با نیس ریستوس"

هراس خمینی ...  
بقیه از صفحه ۳

بست ها و امور مهمه کشور را به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی ندا شده اند "نهفت آزادی" سپرده بود ابراهیمانی کرد و بر نقش و جایگا و هیوه و انحاری روحانیت و فقه در حکومت اسلامی به متابعه شاخص اصلی ارزش گذاری ها در حکومت اسلامی تا کید نمود. خمینی بدین ترتیب، آخوندی ترشدن حاکمیت اسلامی ترشدن آن را راه خلاصی از "گرداب ها تل" دانست. یعنی درست آن چیزی را چا رهگشرد که سر حلقه تشدید همه مصالح و فحایع چند ساله اخیر ایران بوده است.

خمینی در بیع سوم اسفند خود، با لایوشانی ریاکارانه حقایی و تسویل به تهدید و ا رعصاب معترضین کوشید ما منع تشدید بحران رژیم شود. او بار دیگر نشان داد که قدرت شمول هیچ صدای مخالفی را ندارد. او و برهیج معترضی و مخالفی ابقا نکرد و با القاب تخطئه کننده ای چون "طرفسدار اسلام آمریکا بی"، "روحانی نما"، "گوتنه اندیش"، "ساده لوح"، "زفا هطلب نقی زن"، "مقدس نمایش" احمق" و نظایر آن سعی کرده همرا مرعوب کنند. القابی که طبعاً برخی از آنها با بدتر از آنها را معترضین و مخالفین، متقابلاً برآورده و خسود خمینی می دانند. خمینی با تهدید و ا رعاب و انگار واقعیت نمی تواند اشفاق در چیه حزب الله را مانع شود. مافا انکه حاجت خمینی در تفویض مسئولیت های بیشتر به روحا نیون و تا کید بر نقش انحاری روحانیت و فقه در حکومت، بحران رژیم را تسدید و روحا معمران انحاری ترمی کند.

## روز کارگر را با شکوه برگزار کنیم

کارگران مبارز!  
اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داری، امبرالیسم و ارتجاع است. رژیم آخوندی به هر شوطه ای دست می زند تا روز کارگر را بی اعتبار سازد.  
با تحریم گردهمایی های فرمایشی رژیم و برگزاریه مستقلانه این جشن، توطئه رژیم ضد کارگری خمینی را خنثی کنید.  
برای رسمیت بخشیدن به تعطیلی روز کارگر مبارزه کنید. تصویب و اجرای بی وقفه یک قانون کار دمکراتیک را مطالبه کنید.  
برای تامین آزادی های سیاسی و سندیکایی، برای تامین اشغال و بازگشت کارگران اخراجی بر سر کار، برای تامین حق بیمه بیکاری با شرایط مناسب و برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار مبارزه کنید.  
برای بزرگداشت روز کارگر، در واحدهایمان کمیته سرگزارای جشن اول ماه مه را تشکیل دهید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



### بیامدهای فتوای تروویستی خمینی

هیاهوی آخوندهای حاکم بیرامون کتاب ت شیطان " نوشته سلمان رشدی، نویسنده تیاران انگلیسی، علیرغم اعتراضات جهانی در ماه مه نیز ادامه یافت. مدیریت اعتراضات ان، برخی از مسئولان حکومت که قصد داشتند بیستی خمینی را برای سبب مناسبات رژیم با زبانی با رومی دیدند و دفاع از آن را در مجامع لمللی دشواری یافتند، تلاش کردند که با این ای جنحالی را با دستاویز قرار دادن به اصطلاح خواهی نویسنده کتاب حل و فصل کنند و این آرا به پایان برسانند. اما خمینی این بیستی ها را عقیم گذاشت.

افکار رعمومی جهان علیه کسناخی خمینی اضمی کند. پیش از یک هزار نویسنده از های مختلف جهان در دفاع از حقوق و آزادی در بریان اعتقادات و ایده های خود کمیته ای لمللی تشکیل داده اند. تشکیل چنین مجمعی بستندگان جهان یک اقدام کم نظیر است. تلاش نویسندگان قابل تقدیر و درخور حمایت حدی افکار رعمومی جهان دول اروپایی را نیز بر سه اض علیه فتوای خمینی واداشته است. این ن ها تحت فشار افکار رعمومی در جهان و کشورهای و در تعقیب نقشه های اروپایی در مقابل خمینی واکتبی هماهنگ نشان دادند و مگرفتند که با محدود کردن مناسبات سیاسی خود بیم، آن را تحت فشار قرار دهند. تصمیم مشترک دولت ها که به حمایت دگرگون شده، اما به هر رژیم را که به حمایت غرب نیازمند است نجات قرار داده است.

### در اجلاس کنفرانس اسلامی

در روزهای پایانی ماه گذشته وزارت امور خارجه کشورهای اسلامی در عربستان گرد آمدند. با تقاضا و امر از رژیم جمهوری اسلامی ما برای کتاب "آیات شیطانی" نیز در دستور کنفرانس اسلامی قرار گرفت. پیش از این بسیاری از مقامات کشورهای مختلف مواضع متفاوتی نسبت به خود کتاب و فتوای تروویستی خمینی علیه نویسنده و ناشرین آن اتخاذ کرده بودند.

سازمان کنفرانس اسلامی در بریان نشست خود با انتشار رپرتاژ نیه ویژه ای، انتشار و گنجانده آیات شیطانی را محکوم کرد و نویسنده آن سلمان رشدی را "مرد" اعلام کرد. در بیانیه از ما منع بین المللی خواسته شده که از مطالعه کتابی که اها نسبت به مفدمات دینی است، جلوگیری کنند.

موضع گیری کنفرانس و انتشار آن در اندیشه سلمان رشدی که تحت تاثیر گرایش های عقب مانده و فتنه رنجدادی از نما یندگان مرتجع این کشورها صورت گرفت، تا حدودی دست مقامات دستگیرانه جهشی رژیم خمینی را برای تبلیغات و جنجال آفرینی با زکده است. نما یندگان و ویرای خارج کشورهای شرکت کننده در کنفرانس که کم و بیش از فحایع بینما یی که در میهن ما تحت سیطره رژیم جنایتکار رخمینی می گذرد، اطلاع دارند، به این همما هانت ها و نتها و وزارت به حرم زندگی انسان ها و اعتقادات مردم ما حمله کرده، غماض می نگرند، به جای

این که به این تحولات و سرکوبگری ها و فحایع ضد بشری و دخالت های بی جا در امور و سر نوشت مردم کشورهای دیگر که توسط رژیم خمینی صورت می گیرد، حساسیت و عکس العمل نشان دهند، برای سیاست ها و اقدامات تحریک آمیز، مدخله جویانه و ارتجاعی رژیم خمینی توجیه مناسبی پیدا می آوردند.

لازم به تأکید است که کنفرانس اسلامی در کشورهای اسلامی در عین حال با رد فتوای تروویستی خمینی مبنی بر قتل سلمان رشدی، توسل به چنین روش هایی را مردود و ناهنجار و عملا تلاش رژیم خمینی در کشاندن سایر کشورها به حاشیه ارتجاعی و فتوای خمینی به شکست انجامید.

اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی، علاوه بر موضع گیری فوق تحت تاثیر و توصیه نما ینده رژیم مرتجع سعودی و برخی دیگر از وزرای دولت های ارتجاعی، نما ینده ای از ایدها اصطلاح دولتی که توسط نیروهای ارتجاعی مخالف حکومت قانونی افغانستان تشکیل شده است را به جای نما ینده و هیئت نما یندگی دولت افغانستان پذیرفت. این پذیرش علیرغم مخالفت های نما یندگان برخی دولت از جمله الجزایر، سوریه، لیبی و یمن صورت گرفت. اجلاس عملا با این شناسایی بر ادا مسه رویارویی نظامی و جنگ داخلی در افغانستان که به امر از این نیروی صورت می گیرد، صحت گذشت و در مقابل خواست میلیون ها مردم مسلمان و زحمتکش افغانستان که از جنگ خسته شده و خواهان صلح و سازندگی اند، قرار گرفت. □

### مساله افغانستان راه حل نظامی ندارد

جنگ در افغانستان علیرغم خروج نام و تمام نیروهای نوری از آن کشور همچنان ادامه دارد. نیروهای ایوریسیون حکومت افغانستان برای تسخیر چند شهر مهم افغانستان بر دامن حملات خود افزوده اند. این نیروها که یکی از یک تانک سخت و طولانی در راه جا دنیا هم به علت خدت ضا ده های درونی تا کام نمانده، به تشکیل یک "دولت ایوریسیون" کدخی آنرا را در بر می گیرند، بسنده کردند. نیروهای مخالف دولت همه قوای نظامی، انسانی و تبلیغاتی خود را بسیج کرده اند تا با بدیگی و دستبرد عمده افغانستان را تسخیر و در آنجا "دستگاه دولتی" خویش را مستقر سازند. جلال آباد یکی از شهرهای غربی کشور به علت وضعیت استوار لجینی و ویژه نزدیکی آن به خاک باکستان مورد توجه ویژه نیروهای مخالف قرار دارد. قریب یک ماه است که "حما هدین افغان" در چند کیلومتری سویل شهر مشغول جنگ سختی با نیروهای دولتی هستند. هم اکنون جنگ در جلال آباد به یک مسئله حیاتی می بریزد. دولت افغانستان و هم برای نیروهای ایوریسیون تبدیل شده است. ایوریسیون نگران آن است که با شکست در این جنگ، اعلام "تسواری حکومتی" آن بر روی کاغذ نماند و به لحاظ سیاسی ای نرسود.

افراطی مسلح گرفته تا نیروهای منتقد مساعدت بسیار رنموده است. در جهت نثار دنیروهای افراطی مخالف، تا ثیرات مهم خود را بر جای گذا رد. عدم شرکت ائتلاف هست که در شورای حکومتی جدیدالتاسیس، اعتراضات طرفداران ظاهر شاه و فرما ندها ن داخلی مخالف دولت علیه شورای فوق را با یدننا نه های دیگری از موفقیت و حقانیت مش، مصالحه ملی دانست.

"دولت ایوریسیون" اعلام شده تنها توسط رژیم عربستان به رسمیت شناخته شده است. رژیم سعودی که از همان کار آمدن حکومت مستبد مردمی در افغانستان به کمک مرتجع ترین نیروهای مخالف دولت شناخت، در طول این ده سال از خزانه دلارهای نفتی بیدریغ به آنان با یاری رسانده است. به رسمیت شناخته شدن "دولت ایوریسیون" توسط عربستان عمدا متوجه عملی کردن وظایفی است که دولت آمریکا در رابطه با سرکوب انقلاب افغانستان و پایان بخشیدن به حاکمیت مردمی در این کشور به عهده ریا ض گذاشته است. تقسیم کاری که هم اکنون بین رژیم های سعودی و پاکستان در این رابطه صورت گرفته، در شعله ور نگه داشتن آتش جنگ داخلی در افغانستان و امر از نیروهای ایوریسیون بر راه حل نظامی تا ثیرات خود را بر جای گذاشته است. آخرین اقدام حاکمیتی رژیم سعودی، وادار کردن سایر کشورهای عضو جامعه کشورهای اسلامی به پذیرش "دولت ایوریسیون" به جای دولت قانونی افغانستان در حاصه فوق بود که به کمک تعدد دیگری از سران مرتجع کشورهای اسلامی صورت گرفت. رژیم پاکستان نیز همچنان به مدخله آتشک و مستقیم علیه افغانستان ادامه می دهد. اخیرا تعدد در سازمان و مشاوران نظامی با کستان در جبهه های جنگ افزایش چشمگیری پیدا کرده. عهده زبانی از آنجا به همرا ه حما هدین افغانی در اطراف جلال آباد کشته شده اند. با کستان و آمریکا به عنوان امضا کنندگان قرار داد ژنو نه تنها تا کنون به تعهدات خود در قبال حل مسئله افغانستان پای بند نبوده اند، بلکه هر روز که می گذرد بر تحریکات و کار رکنی های خود در این راه دوا منده حمایت های خود از نیروهای مخالف دولت می افزایند. مقامات واشنگتن جندی پیش برای جندمین بار و قفا نسه اعلام کردند که همچنان به کمک های خود به ایوریسیون مسلح خدا نقلا ی افغانستان ادامه می دهند. و این در حالی است که با خروج قوای شوروی از افغانستان دیگر هیچگونه توجیه و بیانه تبلیغاتی نه برای دولت آمریکا و پاکستان و نه برای نیروهای ایوریسیون باقی نمانده است. حاصل سیاست ها و اقدامات مدخله گرایان آمریکا و پاکستان چیزی جز فزایندگی و ویرانی و کشتار برای مسلمانان افغانستان نبوده است. مردم افغانستان نگران آینده خود هستند. آنها نمی خواهند بر سران همان ساید که بر مردم مگرتند و کسب دوز در سال گذشته آمد. نیروهای افراطی ایوریسیون چه رضد بسری خود را در فاجعه قتل عام زنان و مردان، کودکان و بیبران این شهردر محاصره غذا یی و مومک بیاران دیگر شهروندان داده اند. حزب و دولت افغانستان بیک با رجه مصمم هستند تا اجرای بیکرانه منی مصالحه ملی و سازندگی و صلح و آرامش به کشور، از حاکمیت ملی، شما میت ارضی و استقلال افغانستان دفاع کنند. □

فتوای تروویستی خمینی علیرغم حمایت های مل مرتجع مذهبی در برخی کشورها، جمهوری ای رادریچان سی آبروتر کرد و هیئت سرکوبگر دی کش آن را عیان تراخت. این واقعه به از پیش روشن کرد که رژیم ایران به جای مبارزه تی در مقابل مخالفین فکری خود تنها نیروی ثوب را تحویز و اعمال می کند. سر با کردن این توسط خمینی وادغ نگهداشتن طی ایمن توسط آخوندهای حاکم اهداف مبهمی را ل می کرد. این ماجرا موبد تلاش خمینی برای رف کردن اذهان مردم میهن ما از مناسبات بر و مسایل حادی است که با آن درگیرند. خمینی بیل به این ماجرا گوشید احساسات و باورهای وان قشری مذهبی خود را تحریک کنند و آن را دمت مشکل کردن آنرا قرار دهد و بر تفرقه ندهستگی بیروان ولایت فقیه که برای حفظ وری اسلامی زبان با راست علیه کند. خمینی نین می گوید با سوا استفاده از باورهای مذهبی ه های و مسلمان در کشورهای مختلف آنرا در راه افبان اسلامیستی خود به خدمت بگیرد و خود عنوان زعیم و رهبر جهان اسلام در اذهان مردم رهای اسلامی حاشیا ندهد و از این طریق نیز سبب بی برای علیه بر اوضاع ناسامان کنوردست و تدو زبانی عتقاد ی بیشتر بیروانش جلوگیری یسد.

کارنا مه سیا خمینی در قتل و ویرانی، ما به ایی تلاشهای خمینی است و شریک خسی آن را و دو مچود ترمی کند.

اقدام تروویستی خمینی جلوه ای از استبداد بین حاکم کشورها است. فتوای خمینی موبسد پیش روی گسترش استبداد مذهبی در دیکه طق مسلمان نشین جهان است. فضای ماهیت امات رژیم در سرانجهان توسط محافظین قی ایران و چین، به مردم مناطق مسلمان نشین ر کشورهای در شناخت جمهوری اسلامی و اهداف وان آن در آن کشورها کمک حدی می کنند.

سازندین جیره و واقعی رژیم حاکم بر مسین مساط نیروهای مترقی ایران در خارج از کشور بک فملی و بین المللی و یک اقدام انسانی است. احترام به باورهای مذهبی مردم، اعتقاد دهر ان آزاد اندیش است. در عین حال دانندیشی ایجاب می کند که به آزادی انسان ها شرقا ید مذهبی و غیر مذهبی احترام گذاشته . وقتی خمینی به خاطر انتشار یک کتاب که سبب سلیقه و معتقدات او نیست، فرمان قتل سنده آن را صادر می کند، این ارشاد رجدی به محافل و احزاب مترقی جهان، دولت ها و مجامع ای اعتبار بین المللی در دفاع بیکر از حقوق به انسان ها و در دفاع از آزادی وجدان و عقیده ه هجد در این ماجرا در خور تامل و سوال برانگیز ه، رفتار سوادگرایانه دولت های اروپایی است. ارا این دولت ها افسا کرا دعای آن در دفاع از قی سراسر موبد آن است که نجا کدای مانع دولت ها به میا ن می آید. دفاع از حقوق بشر ایه قرار می گیرد. □

### روز کارگر را گرامی بداریم

سنت انقلابی بزرگداشت روز کارگر، سنت فوابعی همبستگی رزمی کارگران سراسر جهان از هر نژاد، جنس، ملیت و فرهنگ است. اول ماه مه، بنا بر تکریم لندگی، دما فزون ادروی کسلسار و میرندگی گریزنا پذیردنیای ستوا استعمار، جهل و خرافه پرستی، تبعیض و نابرابری و استعمار روضاد برستی است.

در ایران اسیروما تمزدهما، در ایرانی که زیرنعلین ارتجاع آخوندی و ستوا استعمار لکام گسیخته سرما پیدا ری ناگزیر است حتی به خاطر بدیعی ترین و ابتدایی ترین حقوق فسسسردی و اجتماعی مبارزه کند، در ایرانی که در آن جهل و خرافه پرستی و فرهنگ تکبزه و انحطاط اخلاقی، تبعیض اجتماعی و فتنه گر موشکن اقتصاد بی پیدا می کند، در ایرانی که گریزنا زیانه خونجکسان استبداد مذهبی به خود می پیچد، گرامی می! شست روز کارگر، برافراشتن پرچم آن رساندن پیام آن به توده های میلیونی مردم وظیفه ای است خطیر که امروز میرم ترا هر زمان در برابر نیروهای پیشرو و آگاه مبین مان قرار دارد.

در فتن اول ماه مه، در پرتو ستوا زات بیگیرانه طبقه کارگر ایران طی ۶۸ سال اخیر، جنبی در سیاهترین دوره های تسلط استبداد سلطنتی و نقا هنی نیز، هیچگاه از زانه های زحمتکشان مبین ما فرو نیفتاده است. نه دیکتا توری زمانه و محمد رضا شاه استبداد سیاه فقها هیچگاه مانع تداوم این سنت انقلابی و مردمی نشد. رژیم آخوندی ابتدا تمام مکناتش را برای نادیده گرفتن و منسوخ کردن این سنت و بی اعتبار کردن آن به کار گرفت. اما وقتی که از این شوطنه طرفی نیست، تلاش کرد بر باریابی مراسم فراموشی، به زعم خود استکار عمل را در برگزاری این جشن به دست گیرد و آن را به ترسبون تبلیغات جنگ طلبانه و ضد دیگران تیک خود بدل کند. اما اغلب کارگران با امتناع و اکسراه از شرکت در مراسم فراموشی رژیم و برگزاری مستقلانه این جشن در اوا حدهای شان، رژیم را در دست یابی به هدفش نا کام کردند.

۱۰ سال نیز رژیم فتن کارگری خمینی تلاش خواهد کرد با سیج باندهای انجمن اسلامی واحدهای مختلف، مراسم خمینت با ری از رونق بخندوسه نام کارگران قطعنامه های شمشک کننده و فساداری نسبت به خمینی و پشتیبانی از رژیم آخوندی صادر کند، اما سال نیز وزیر کار رژیم آخوندی با کمال وقاحت خواهده کوشیده بیروی از منویات مصرع در نامه بیستم دیماه ۶۷ خمینی به کارگران، طبقه کارگران را از دمسال حاکمیت جمهوری اسلامی همچنان به ریاضت کشی و "قناعت" تشویق کند و از "رفاه طلبی و مصرف گرایی" سرخردار د.

افشای بی امان با و ه ای مقامات حکومتی علیه کارگران، یکی از وظایف مهم فعالین کارگری و از ضروریات بزرگداشت روز کارگر و برگزاری از این سنت است. افشای ترفته های فتن کارگری و تبلیغات عوام فریبانه رژیم وسیج توده ای کارگران برای برگزاری مستقلانه جشن، قبل از هر چیزی در گروگری کار آگاهان و سازمانگرا نه نیرو ه های پیشرو کارگران آگاه است. شرط مقدم استبداد موقفیت آتمیز روز کارگر، ایجاد کمیته های برگزاری جشن اول ماه مه، بدورها و احداث. وظیفه تدارکاتی این کمیته ها کار توضیحی در باره مناسبات این روز در میان توده کارگران، تارکند بر فروسورت گرامی داشت آن و برانگیختن کارگران به شرکت فعال در برگزاری این عید کارگری است. سیج توده کارگران برای شرکت در جشن، مستلزم استفا ده از تجارب گذشته به ویژه تجربه برگزاری جشن در سالهای اخیر و تیز دست زدن به ابتهکارات جدید است. کمیته های برگزاری جشن باید همه مراسم سنتی برگزاری روز کارگر نظیر تجلیل از کارگران قدیمی و خدمتگزار، تبادل هدایا، برگزاری سخنرانی های بدعرفتی مناسبت این روز و مضمون آن، و طرح مهمترین مطالبات و شعار های صنفی و سیاسی کارگران، به نحو مقتضی انجام دهد. مبارزه علیه سرکوب آزادی های سیاسی و سندنیکایی (از نقض آشکار حق شکل منفی گرفته تا سرکوب، با زداشت و اعدام فعالین و پیشروان کارگری) و نیز افشای سیاست فتن کارگری رژیم در مطلق نگاهداشتن سرنوشت قانون کار، دموکراسی افشاگری و تبلیغات آگاهان نه نیرو های پیشرو به ویژه هده های کارگری است.

۱ هم وظایف کارگران پیشرو آگاه در تدارک و برپایی جشن اول ماه مه سال عیار رشتنا ز:

۱- تشکیل کمیته های برگزاری جشن اول ماه مه در همه واحدهای تولیدی و خدماتی.

### یادنامه رفیق فداکار فدایی خلق خلیل هوشیاری

انقلابی برسا بقه، رفیق خلیل هوشیاری پس از تحمل ۹ سال شکنجه در زندان های رژیم جمهوری اسلامی، توسط دشمنان حاکم تیرباران شد. رفیق خلیل در سال ۱۳۲۶ در لنگرود در خانه ای زحمتکش و پیرا و ولاد متولد شد و در وضعیت معیشتی بسیار دشواری موفق شد دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه اش را بگذراند. زندگی خلیل از کودکی با کار روزحسنت عین بود. و برای گذران زندگی صنایع مختلفی را از ازیاد دویی و میرزا بنوسی گرفته تا رانندگی طی کرد و سرانجام کارگری یکی از کارخانجات رشت شد. با برآمدن جنبش فدا ثیان خلق، رفیق خلیل در ارتباط با رفیق شهید پروزا رحمانی و رفیق شهید حسن فرجودی فعالیت سیاسی و سازمانی را گسترش داد و با تمام وجود در راه آرمان فدا ثیان خلق کام برداشت. رفیق خلیل در همین دوره مدتی نیز با رفیق شهید علی اکبر جعفری همکاری می کرد. پس از شهادت رفیق ارمانی، خلیل از کارخانه نیروان آمد و در شرایط قطع ارتباط با سازمان به فعالیت سیاسی محلی پرداخت. در سال ۵۶، پس از آزادی رفیق محمد حسن دیانک شوری (بستور) از زندان رژیم شاه، رفیق خلیل دوشا دوش رفیق منصور و سه رفیق دیگر اقدام به تشکیل هسته اولیه گروه روزبه نمود. گروه روزبه سه یکی از بنیانگذارین گروه های هوادار سازمان در شمال و تهران شد. این گروه به ویژه در میان زحمتکشان حوادیه و خاک سفید تهران از نفوذ و بیگانه ها اجتناب فویا لقب ده ای برخورد را بود. گروه روزبه در جریان ستمسدارک و اوچگیری انقلاب یمن، در برپایی تظاهرات های خیابانی، حفاظت تظاهرات، برگزاری نشانیها و عکس شهادی سازمان، تکثیر و پخش وسیع اعلامیه ها و تراکت ها، دستگیر بندی های خیابانی و سرانجام دستگیری با دگان ها و مراکز مهم دولتی، سیم بسازی داشت.

پس از پیروزی انقلاب، رفیق خلیل فعالیت سیاسی سازمانی را در کمیته شهر لنگرود ادامه داد. او که به واسطه فعالیت عمیق مردمی و ویژگیهای بارز اخلاقی اش از محبوبیت خاصی در میان توده مردم برخوردار بود، توانست در تقویت و گسترش با تگاه توده های سازمان در میان مردم نقش ای توفیقا هه یوشا یفا کند.

رفیق خلیل هوشیاری در جریان ما موریتسی سازمانی - حین نقل و انتقال سلاحهای کسهدر جریان قیام صا در دهه یونگ در دیماه ۵۸ به همراه ۴ رفیق دیگر در تهران دستگیر و زندانی گردید. او در برابر شکنجه های مکرر در زندان جمهوری اسلامی سرافراز ای و استقامت تحسین انگیزی استبداد و آنجا نگهسنت فدا ثیان خلق است، بر میماند خود با خلق بای فتن. رفیق خلیل در تقویت روحیه سندان ثیان سیاسی جوان در شکنجه ها ه ای رژیم، نقش موثری داشت. او یکی از فعالین اصلی نخستین اعصاب غذای زندان ثیان سیاسی در اوین بود.

جلادان اوین که پس از ۹ سال شکنجه برای به زانو در آوردن این فرزند دلاور خلق، بیونی خود را در بیا فتنه، سرانجام جان با کشی را تا ج کلوله کردند. خرابه تاناک رفیق خلیل دردل توده های جا و بدو حماسه یابید ای، الهام بخش هم در زندان است که راه را ه ای و پیروزی خلق را می بویسد. □

### یادنامه رفیق فداکار فدایی خلق ناصر عطا

آنکا هکده او را به حوضه آتش سپردند، گرم طراوت ۲۶ سپا را در جانش داشت. در شهر بند شهربان و سپا رنارنج دیده کوشود و در دما مان ما نجیب و مردم دوست با لید و شکفت. ما در می گفت "ملک شدنا نگ نندارم ولی یک ناصر دارم که وقت در کوجه می گذارد، کوجه روشن می شود". ستر چون نخلی استوار به با رشتست. ا به دنا شکده علوم انسانی دا نشکا ه تهران را ه ای از دنا شجویان مبارزو هوادار فدا ثیان خلق گر جامعه شناسی را به پایا ن رساند و دبیر دبیر ستار کرمان شد.

در انقلاب بهمن با زوان ستر ناصر، کمیته شن می کشید و شبها م خروش برطنین آواز شرب سرود ای رفیقان در کوشهای جان می نشست. فروش، با هستی و کارش کوجه ها و دلها را روشن می بخشید. پیام آور فدا ثیان خلق و بیگ انتقال سودا و.

در سازمان تندی هواداران سازمان دراد کرمان با تمام توان کوشید و از نخستین با نیست تشکیلات سازمان در این استان بود. مسئولیت انتشارات را در کمیته با لنتی نیز داشت. وقت آخوند جلاد، فهیم کرمانی، رفقا علی و سعید میرشک را ترور کرد و مردم در سرکوب دا نشجویان پیشگام با سروا بیل تکثیر و انتشارات را خانه به خانه جا نا می کرد و اعلامیه های کمیته سازمان دراستد کرمان را به دفاع از جان دا نشجویان در بدست می کرد. او با چنان خونسردی و دقتی وظایف انقلابی اش را بیش می رده که با وجود بیگردهای کمیته و عوامل دادگاه انقلاب اسلامی کرمان شانس می ماند.

رفیق ناصر به شما به دبیری متعهد و دلس محبوب دانش آموزان و همکاران بود. او مؤن عشق و دوستی بود. رفیق ناصر توسط کوردلان جا از ادا به تدریس محروم گردید.

دراوا خرسال ۶۲ مجبور شد برای کما زندگی به تهران برود. او ضمن کار در یکی واحدهای بزرگ مربوط به تاسیسات برق و فشن قوی، مسئولیت سنگینی را به شما به یک کار در با تج در یکی از مهمترین گروه های مرکزی سازمان عهده دار شد. رفیق ناصر مسئولیت تدارکات بسیاری ارتباطات علنی را به عهده داشت و مانند همیشه خونسرد و گشاده رو و وظایف خطیر سازمانی را علیرغم شرایط دشوار کار بیگیرانه انجام می داد. در سال ۶۳ ازدواج کرد و صاحب فرزندی که پیش از آنکه نام پدر را آواز دهد، پدر از گزم خون آنا خمینی بودند. رفیق ناصر سه ماهه زب شکنجه های حیوانی رژیم قرار داشت. شکنجه چنان جسمن را فشنده که زنجیل سترقا متش متش ستونی شکیده اما با برجا وکا کلی پیرشان برجام که چونان پرچی به شما نه ایستادگی در اهتزاز بی مور سخن نگفت.

در پیدا دگا ها سلامی ابتدابه ۱۲ زندان محکوم شد ولی همانند دیگر همزنجیب آهین عزمی در شهر بویا ه ۶۷ با انا ره جما ران در برابر جوخا اعدام قرار گرفت. بدینند نخل بلند استوار گردید ا نشان، افشا تند ه ایمان و امید به پیروزی و پیروزی مردم، ایستا مرد، بر جمخ طراه شان جا و ادا شه در اهتزاز باد.

### زندانی سیاسی آزاد باید گرد

آدرس  
P. 10  
1091 WIEN  
AUSTRIA

حساب بانکی  
AUSTRIA - WIEN  
BAWAG  
NR. 029 10701 - 650  
DR. GERTRAUD ARTNER

اتریش

۱- تحریم مراسم فراموشی رژیم و برگزاری مستقلانه جشن از طریق سیج توده کارگران.

۲- تبلیغ بیگرو گسترده برای تشبیهت روز کارگر به عنوان روز تعطیل رسمی.

۳- تشویق کارگران به طرح مطالبات اساسی صنفی - سیاسی تا از قبیل، تدوین و اجرای قانون کارمکراتیک، ترمین آزادی های سیاسی و سندنیکایی و منع تشقیب و سرکوب فعالین و پیشروان کارگری، برگزاری اشتبا تده مکرراتیک برای ایجاد شکل های صنفی مستقل، نامیسن اشتغال، امنیت شغلی و بازگشت اخراجی ها بر سر کار...

۴- تبلیغ بیگیرانه و وسیع شعار انحلال انجمن های اسلامی به مناسبت ارکان های پلیسی و لانه های حاسوسی رژیم در میان کارگران.

۵- تبلیغ و سر و بیج آگاهان در توضیح تاریخچه و مضمون اول ماه مه برای توده کارگران.

۶- تلاش برای صدور رسال پیام همبستگی با کارگران و زحمتکشان جهان و نیز جلب حمایت و پشتیبانی سازمان ها و سروهای کارگری و شرقیخواه جهان از مسارات عادلانه مردم ایران به ویژه نجات جان زندان ثیان سیاسی کشور و تشبیه سرکوب و اعدام فعالین و پیشروان کارگری ایران □